

خلاصه حالات چهاردهمین معصوم : دوازدهمین اختر امامت

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه نزدیک طلوع فجر، روز جمعه، نیمه ماه شعبان، سال ۲۵۴ هجری قمری (مطابق با بیست و دوم مرداد ماه، سال ۲۴۷ هجری شمسی می باشد) در شهر سامراء به طور مخفی و پنهان از دید عموم، پا به عرصه وجود نهاد. نام: م ح م م د صلوات الله و سلامه علیه؛ و عجل الله تعالی فرجه الشریف. (نام و لقب مبارك آن حضرت به عنوان امام (محمد، مهدی) علیه السلام طبق عدد حروف اءبجد کبیر - ۹۲، ۵۹ - می باشد. طبق احادیث وارده: گفتن نام صریح امام زمان علیه السلام در زمان غیبت حرام و غیرمجاز است، که بعضی از آن احادیث، ضمن چهل حدیث منتخب خواهد آمد).

کنیه: ابوالقاسم، ابوجعفر و... .

لقب: بیش از نهصد لقب برای حضرتش ذکر کرده اند که در کتب مختلف موجود می باشد از آن جمله: مهدی، حجت، منتقم، بقیه الله الاعظم، قائم آل محمد، صاحب الزمان و... .

پدر: امام حسن عسکری فرزند امام علی النقی صلوات الله و سلامه علیهما.

مادر: دختر پادشاه روم که به نام های نرجس، ملیکه، ریحانه، صیقل و سوسن معروف است.

دربان: چهار نفر به نام های عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، حسین بن روح، علی بن محمد سمري، که در غیبت صغری نیز این چهار نفروکالت آن حضرت را بر عهده داشته اند.

جریان ولادت آن حضرت، همانند حضرت موسی کلیم علیه السلام در کنار کاخ طاغوت زمان، مخفی و پنهان از دید جاسوس ها و عموم مردم انجام گرفت.

حضرت دارای دو غیبت بوده است: یکی غیبت صغری - که حدود هفتاد و پنج سال به طول انجامید - و دیگری غیبت کبری می باشد - که تقریباً از سال ۳۳۰ هجری قمری شروع شده است - و از آن زمان به بعد برای حضرت، وکیل و نائب خاص معرفتی و معین نشده است، بلکه مجتهدین جامع الشرائط - به عنوان وکیل و نائب عام - امور جامعه را بر عهده داشته و دارند. آن حضرت در همین جامعه، بین افراد رفت و آمد و در مجالس

به صورت ناشناس شرکت می نماید؛ و نیز همه را می بیند و شاهد اعمال همگان خواهد بود. ولی دیگران هم گرچه او را می بینند، اما شخص حضرتش را نمی شناسند که کدام يك از اشخاص می باشد. افراد بسیاری در غیبت کبری به محضر مبارکش شرفیاب شده اند و کسب فیض کرده اند. علائم و نشانه های متعدد و گوناگونی جهت ظهور و قیام آن حضرت، توسط معصومین علیهم السلام بیان و مطرح شده است، که در کتاب های مختلف اهل سنت و شیعه به طور مشروح و مبسوط مذکور می باشد. وقتی حضرت در مکه معظمه ظهور نماید، ۳۱۳ نفر از اصحاب و فرماندهان او از اطراف و شهرهای مختلف در کنار کعبه الهی جمع شوند و در دست هر کدام شمشیری خواهد بود. و سپس منادی بین زمین و آسمان گوید: این مهدی موعود است که ظهور کرده و به شیوه حضرت داوود و سلیمان علیهما السلام قضاوت خواهد نمود و یبینه و شاهد، لازم ندارد. طبق آنچه در روایات آمده است: حکومت آن حضرت بین هفت تا نه سال به طول خواهد انجامید. (شخصی از امام جعفر صادق علیه السلام سؤال نمود که امام زمان علیه السلام چند سال حکومتش به طول می انجامد؟ حضرت فرمود: هفت سال، روزها و شبهایش به اندازه ای طولانی می گردد که يك سال آن مساوی است با ده سال از سالهای دوران شما، پس مجموع حکومت آن حضرت هفتاد سال از سالهای شما خواهد بود. غیبة طوسی: ص ۴۷۴، ح ۴۹۷، إعلام الوری: ج ۲، ص ۲۹۰. و در بعضی روایات آمده که مدت حکومت حضرت ۳۰۹ (سیصد و نه) سال خواهد بود، به همان مقداری که اصحاب کهف در غار مخفی و غائب بودند. إعلام الوری: ج ۲، ص ۲۹۳، به نقل از غیبة شیخ طوسی، تاج الموالید و دلائل الامامة طبری)

مدت امامت: حضرت بنابر مشهور بین روایات، روز جمعه، نهم ربیع الاول، سال ۲۶۰ هجری قمری پس از شهادت پدر بزرگوارش، در سنین پنج سالگی به منصب و مقام عظمی و والای امامت و خلافت نائل گردید.

و از آن زمان تاکنون حدود ۱۱۵۷ سال می باشد و در آینده تا هر لحظه که خداوند متعال اراده نماید، امامت و هدایت جامعه را به عهده خواهد داشت.

مدت عمر: آن حضرت حدود پنج سال، هم زمان با پدر بزرگوارش حضرت ابومحمد، امام حسن عسگری علیه السلام بوده و پس از آن تا این زمان - که روی هم ۱۱۶۲ سال باشد -

عمر پربرکت آن حضرت می باشد و در آینده تا هر زمان که خداوند بخواهد، تداوم خواهد یافت .

نماز امام زمان علیه السلام دو رکعت است ، که در هر رکعت سوره حمد يك مرتبه و چون به جمله (إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ) برسد، صد مرتبه آن را تکرار نماید؛ و بعد از سوره حمد، يك مرتبه سوره توحید خوانده می شود، همچنین هر يك از ذکر رکوع و سجود را هفت مرتبه بگوید. و چون سلام نماز را دهد، تسبیح حضرت زهراء علیها السلام را بگوید و در بعضی عبارات آمده است که بعد از آن ، نیز صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد فرستاده شود. و بعد از آن ، حوائج مشروعه خود را از خداوند طلب نماید. [نماز مسجد مقدس جمکران نیز شبیه همین نماز است] (ولادت و دیگر حالات حضرت برگرفته شده است از: اصول کافی : ج ۱، تهذیب الاحکام : ج ۶، تاریخ اهل البيت علیهم السلام ، مجموعه نفیسة ، اعیان الشیعه : ج ۲، کشف الغمّة : ج ۲، ینابیع المودّة ، بحارالانوار، جمال الأسبوع ، دعوات راوندی ، إعلام الوری طبرسی : ج ۲، دلائل الامامة و...).

ولادت با سعادت حضرت و احوال والده ماجده ایشان

علامه مجلسی رحمه الله در (جلاءالعیون) فرموده : اشهر در تاریخ ولادت شریف آن حضرت آن است که در سال دویست و پنجاه و پنجم هجرت واقع شد و بعضی پنجاه و شش و بعضی پنجاه و هشت نیز گفته اند و مشهور آن است که روز ولادت شب جمعه پانزدهم ماه شعبان بود و بعضی هشتم شعبان هم گفته اند و به اتفاق ، ولادت آن جناب در سرّ من راءى واقع شد، و به اسم و کنیت با حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم موافق است و در زمان غیبت ، اسم آن جناب را مذکور ساختن جائز نیست و حکمت آن مخفی است و القاب شریف آن جناب مهدی و خاتم و منتظر و حجت و صاحب است . (جلاءالعیون ص ۱۰۰۱) . ابن بابویه و شیخ طوسی به سندهای معتبر روایت کرده اند از بشر (بابشیر) بن سلیمان برده فروش که از فرزندان ابویوب انصاری بود و از شیعیان خاص امام علی نقی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام و همسایه ایشان بود در شهر سرّ من راءى ، گفت که روزی کافور خادم امام علی نقی علیه السلام به نزد من آمد و مرا طلب نمود، چون به خدمت آن حضرت رفتم و نشستم فرمود که تو از فرزندان

انصاری ، ولایت و محبت ما اهل بیت همیشه در میان شما بوده است از زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم تا حال و پیوسته محل اعتماد ما بوده اید و من تو را اختیار می کنم و مشرف می گردانم به تفصیلی که به سبب آن بر شیعیان سبقت گیری در ولایت ما و تو را به رازهای دیگر مطلع می گردانم و به خریدن کنیزی می فرستم ، پس نامه پاکیزه نوشتند به خط فرنگی و لغت فرنگی و مهر شریف خود بر آن زدند و کیسه زری بیرون آوردند که در آن دویست و بیست اشرفی بود، فرمودند: بگیر این نامه و زر را و متوجه بغداد شو و در چاشت فلان روز بر سر جسر حاضر شو چون کشتیهای اسیران به ساحل رسد جمعی از کنیزان در آن کشتی ها خواهی دید و جمعی از مشتریان از وکیلان امراء بنی عباس و قلیلی از جوانان عرب خواهی دید که بر سر ایشان جمع خواهند شد، پس از دور نظر کن به برده فروشی که عمرو بن یزید نام دارد در تمام روز تا هنگامی که از برای مشتریان ظاهر سازد کنیزکی را که فلان و فلان صفت دارد و تمام اوصاف او را بیان فرمود و جامه حریر آکنده پوشیده است و ابا و امتناع خواهد نمود آن کنیز از نظر کردن مشتریان و دست گذاشتن ایشان به او، و خواهی شنید که از پس پرده صدای رومی از او ظاهر می شود، پس بدان که به زبان رومی می گوید وای که پرده غفتم دریده شد. پس یکی از مشتریان خواهد گفت که من سیصد اشرفی می دهم به قیمت این کنیز، عفت او در خریدن ، مرا راغب تر گردانید، پس آن کنیز به لغت عربی خواهد گفت به آن شخص که اگر به زئی حضرت سلیمان بن داود ظاهر شوی و پادشاهی او را بیابی من به تو رغبت نخواهم کرد مال خود را ضایع مکن و به قیمت من مده . پس آن برده فروش گوید که من برای تو چه چاره کنم که به هیچ مشتری راضی نمی شوی و آخر از فروختن تو چاره ای نیست ، پس آن کنیزك گوید که چه تعجیل می کنی البته باید مشتری به هم رسد که دل من به او میل کند و اعتماد بر وفا و دیانت او داشته باشم . پس در این وقت تو برو به نزد صاحب کنیز و بگو که نامه ای با من هست که یکی از اشراف و بزرگواران از روی ملاطفت نوشته است به لغت فرنگی و خط فرنگی و در آن نامه کرم و سخاوت و وفاداری و بزرگواری خود را وصف کرده است ، این نامه را به آن کنیز بده که بخواند اگر به صاحب این نامه راضی شود من از جانب آن بزرگ وکیلیم که این کنیز را از برای او خریداری نمایم . بشر بن سلیمان گفت که آنچه حضرت فرموده بود واقع شد و آنچه فرموده بود همه را به

عمل آوردم ، چون کنیز در نامه نظر کرد بسیار گریست و گفت به عمرو بن یزید که مرا به صاحب این نامه بفروش و سوگندهای عظیم یاد کرد که اگر مرا به او نفروشی خود را هلاک می کنم ، پس با او در باب قیمت گفتگوی بسیار کردم تا آنکه به همان قیمت راضی شد که حضرت امام علی نقی علیه السلام به من داده بودند پس زر را دادم و کنیز را گرفتم و کنیز شاد و خندان شد و با من آمد به حجره ای که در بغداد گرفته بودم ، و تا به حجره رسید نامه امام را بیرون آورد و می بوسید و بر دیده ها می چسبانیید و بر روی می گذاشت و به بدن می مالید، پس من از روی تعجب گفتم نامه ای را می بوسی که صاحبش را نمی شناسی ، کنیز گفت : ای عاجز کم معرفت به بزرگی فرزندان و اوصیای پیغمبران ، گوش خود به من بسیار و دل برای شنیدن سخن من فارغ بدار تا احوال خود را برای تو شرح دهم . من ملیکه دختر یشوعای فرزند قیصر پادشاه رومم و مادرم از فرزندان شمعون بن حمون بن الصفا وصی حضرت عیسی علیه السلام است تو را خبر دهم به امر عجیب : بدان که جدم قیصر خواست که را به عقد فرزند برادر خود درآورد در هنگامی که سیزده ساله بودم پس جمع کرد در قصر خو از نسل حواریون عیسی و از علمای نصاری و عباد ایشان سیصد نفر و از صاحبان قدر و منزلت هفتصد کس و از امرای لشکر و سرداران عسکر و بزرگان سپاه و سرکرده های قبایل چهارهزار نفر، و فرمود: تختی حاضر ساختند که در ایام پادشاهی خود به انواع جواهر مرصع گردانیده بود و آن تخت را بر روی چهل پایه تعبیه کردند و بتها و چلیپاهای خود را بر بلندیا قرار دادند و پسر برادر خود را در بالای تخت فرستاد، چون کشیشان انجیلها را بر دست گرفتند که بخوانند بتها و چلیپاها سرنگون همگی افتادند بر زمین و پاهای تخت خراب شد و تخت بر زمین افتاد و پسر برادر ملك از تخت افتاد و بی هوش شد، پس در آن حال رنگهای کشیشان متغیر شد و اعضایشان بلرزید. پس بزرگ ایشان به جدم گفت : ای پادشاه! ما را معاف دار از چنین امری که به سبب آن نحوستها روی نمود که دلالت می کند بر اینکه دین مسیحی به زودی زائل گردد. پس جدم این امر را به فال بد دانست و گفت به علما و کشیشان که این تخت را بار دیگر برپا کنید و چلیپاها را به جای خود قرار دهید، و حاضر گردانید برادر این برگشته روزگار بدبخت را که این دختر را به او تزویج نماییم تا سعادت آن برادر دفع نحوست این برادر بکند، چون چنین کردند و آن برادر دیگر را بر بالای تخت بردند، و

چون کشیشان شروع به خواندن انجیل کردند باز همان حالت اول روی نمود و نحوست این برادر و آن برادر برابر بود و سرّ این کار را ندانستند که این از سعادت سروری است نه نحوست آن دو برادر، پس مردم متفرق شدند و جدم غمناک به حرم سرای بازگشت و پرده های خجالت درآویخت، چون شب شد به خواب رفتم، در خواب دیدم که حضرت مسیح و شمعون و جمعی از حواریین در قصر جدم جمع شدند و منبری از نور نصب کردند که از رفعت بر آسمان سربلندی می کرد و در همان موضع تعبیه کردند که جدم تخت را گذاشته بود. پس حضرت رسالت پناه محمد صلی الله علیه و آله و سلم با وصی و دامادش علی بن ابی طالب علیه السلام و جمعی از امامان و فرزندان بزرگواران ایشان قصر را به قدوم خویش منور ساختند، پس حضرت مسیح به قدوم ادب از روی تعظیم و اجلال به استقبال حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم شتافت و دست در گردن مبارک آن جناب درآورد پس حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که یا روح الله! آمده ایم که ملیکه فرزند وصی تو شمعون را برای این فرزند سعادتمند خود خواستگاری نماییم و اشاره فرمود به ماه برج امامت و خلافت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرزند آن کسی که تو نامه اش را به من دادی پس حضرت نظر افکند به سوی حضرت شمعون و فرمود: شرف دو جهانی به تو روی آورده، پیوند کن رحم خود را به رحم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم. پس شمعون گفت که کردم، پس همگی بر آن منبر برآمدند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم خطبه ای انشاء فرمودند و با حضرت مسیح مرا به حسن عسکری علیه السلام عقد بستند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم با حواریون گواه شدند، چون از آن خواب سعادت مآب بیدار شدم از بیم کشتن، آن خواب را برای جدم نقل نکردم و این گنج رایگان را در سینه پنهان داشتم و آتش محبت آن خورشید فلک امامت روز به روز در کانون سینه ام مشتعل می شد و سرمایه صبر و قرار مرا به باد فنا می داد تا به حدی که خوردن و آشامیدن بر من حرام شد و هر روز چهره، کاهی می شد و بدن می کاهید و آثار عشق نهانی در بیرون ظاهر می گردید، پس در شهرهای روم طبیبی نماند که مگر آنکه جدم برای معالجه من حاضر کرد و از دواي درد من از او سؤال کرد و هیچ سودی نمی داد. چون از علاج درد من مایوس ماند روزی به من گفت: ای نور چشم من! آیا در خاطرت چیزی و آرزویی در دنیا هست که برای تو به

عمل آورم؟ گفتم: ای جد من! درهای فرج بر روی خود بسته می بینم اگر شکنجه و آزار از اسیران مسلمانان که در زندان تواند دفع نمایی و بندها و زنجیرها از ایشان بگشایی و ایشان را آزاد کنی امیدوارم که حضرت مسیح و مادرش عافیتی به من بخشند، چون چنین کرد اندک صحتی از خود ظاهر ساختم و اندک طعامی تناول نمودم پس خوشحال و شاد شد و دیگر اسیران مسلمانان را عزیز و گرامی داشت. پس بعد از چهارده شب در خواب دیدم که بهترین زنان عالمیان فاطمه زهرا علیها السلام به دیدن من آمد و حضرت مریم با هزار کنیز از حوریان بهشت در خدمت آن حضرت بودند. پس مریم به من گفت: این خاتون بهترین زنان و مادر شوهر تو امام حسن عسکری علیه السلام است. پس به دامنش درآویختم و گریستم و شکایت کردم که امام حسن علیه السلام به من جفا می کند و از دیدن من ابا می نماید، پس آن حضرت فرمود که چگونه فرزند من به دیدن تو بیاید و حال آنکه به خدا شرک می آوری و بر مذهب ترسایی و اینک خواهرم مریم و دختر عمران بیزاری می جوید به سوی خدا از دین تو، اگر میل داری که حق تعالی و مریم از تو خشنود گردند و امام حسن عسکری علیه السلام به دیدن تو بیاید پس بگو: (أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ). چون به این دو کلمه طیبه تلفظ نمودم حضرت سیده النساء مرا به سینه خود چسبانید و دلداری فرمود و گفت: اکنون منتظر آمدن فرزندم باش که من او را به سوی تو می فرستم. پس بیدار شدم و آن دو کلمه طیبه را بر زبان می راندم و انتظار ملاقات گرامی آن حضرت می بردم، چون شب آینده در آمد به خواب رفتم خورشید جمال آن حضرت طالع گردید گفتم: ای دوست من! بعد از آنکه دلم را اسیر محبت خود گردانیدی چرا از مفارقت جمال خود مرا چنین جفا دادی؟ فرمود که دیر آمدن به نزد تو نبود مگر برای آنکه مشرف بودی اکنون که مسلمان شدی هر شب به نزد تو خواهم بود تا آنکه حق تعالی ما و تو را در ظاهر به یکدیگر برساند و این هجران را به وصال مبدل گرداند، پس از آن شب تا حال، یک شب نگذشته است که درد هجران مرا به شربت وصال دوا نفرماید. بشر بن سلیمان گفت: چگونه در میان اسیران افتادی؟ گفت: مرا خبر داد امام حسن عسکری علیه السلام در شبی از شبها که در فلان روز جدت لشکری به جنگ مسلمانان خواهد فرستاد، پس از عقب ایشان خواهد رفت، تو خود را در میان کنیزان و خدمتکاران بینداز به هیئتی که تو را نشانند و از پی جد خود روانه شو و

از فلان راه برو. چنان کردم طلایه لشکر مسلمانان به ما برخوردند و ما را اسیر کردند و آخر کار من آن بود که دیدی و تا حال کسی به غیر از تو ندانسته است که من دختر پادشاه روم و مردی پیر که در غنیمت، من به حصه او افتادم از نام من سؤال کرد گفتم نرجس نام دارم، گفت: این نام کنیزان است. بشر گفت: این عجب است که تو از اهل فرنگی و زبان عربی را نیک می دانی؟ گفت: از بسیاری محبتی که جدم نسبت به من داشت می خواست مرا به یاد گرفتن آداب حسنه بدارد، زن مترجمی را که زبان فرنگی و عربی هر دو می دانست مقرر کرده بود که هر صبح و شام می آمد و لغت عربی به من می آموخت تا آنکه زبانم به این لغت جاری شد. بشر گوید که من او را به سر من راء بردم به خدمت امام علی نقی علیه السلام رسانیدم، حضرت کنیزك را خطاب کرد که چگونه حق سبحانه و تعالی به تو نمود عزت دین اسلام را و مذلت دین نصاری را و شرف و بزرگواری محمد صلی الله علیه و آله و سلم و اولاد او را؟ گفت: چگونه وصف کنم برای تو چیزی را که تو از من بهتر می دانی یابن رسول الله! پس حضرت فرمود که می خواهم تو را گرامی دارم، کدام يك بهتر است نزد تو، اینك ده هزار اشرفی به تو دهم یا تو را بشارت دهم به شرف ابدی؟ گفت: بشارت به شرف را می خواهم و مال نمی خواهم. حضرت فرمودند که بشارت باد تو را به فرزندى که پادشاه مشرق و مغرب عالم شود و زمین را پر از عدل و داد کند بعد از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد، گفت: این فرزند از کی به وجود خواهد آمد؟ فرمود: از آن کسی که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم تو را برای او خواستگاری کرد، پس از او پرسید که حضرت مسیح و وصی او تو را به عقد کی درآورد؟ گفت: به عقد فرزند تو امام حسن عسکری علیه السلام، حضرت فرمود که آیا او را می شناسی؟ گفت: از آن شبی که به دست بهترین زنان مسلمان شده ام شبی نگذشته است که او به دیدن من نیامده باشد. پس حضرت کافور خادم را طلبید و گفت: برو و خواهرم حکیمه خاتون را طلب کن. چون حکیمه داخل شد حضرت فرمود که این آن کنیز است که می گفتم، حکیمه خاتون او را در بر گرفت و بسیار نوازش کرد و شاد شد. پس حضرت فرمود که ای دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم او را ببر خانه خود و واجبات و سنت ها را به او بیاموز که او زن حسن عسکری و مادر صاحب الامر علیه السلام است. (جلاءالعیون

ص ۱۰۰۱-۱۰۰۷، کمال الدین ص ۴۱۸، الغیبة شیخ طوسی ص ۱۲۴ ۱۲۸). کلینی و ابن بابویه و شیخ طوسی و سید مرتضی و غیر ایشان از محدثین عالی شأن به سندهای معتبر روایت کرده اند از حکیمه خاتون که روزی حضرت امام حسن عسکری علیه السلام به خانه من تشریف آوردند و نگاه تندی به نرجس خاتون کردند، پس عرض کردم که اگر شما را خواهش او هست به خدمت شما بفرستم، فرمود که ای عمه! این نگاه تند از روی تعجب بود؛ زیرا که در این زودی حق تعالی از او فرزند بزرگواری بیرون آورد که عالم را پر از عدالت کند بعد از آنکه پر شده باشد از ظلم و جور، گفتم: او را بفرستم به نزد شما؟ فرمود که از پدر بزرگواریم رخصت بطلب در این باب. حکیمه خاتون گوید که جامه های خود را پوشیدم و به خانه برادرم امام علی نقی علیه السلام رفتم، چون سلام کردم و نشستیم بی آنکه من سخنی بگویم حضرت از ابتداء فرمود که ای حکیمه! نرجس را بفرست برای فرزندم، گفتم: ای سید من! من از برای همین مطلب به خدمت تو آمدم که در این امر رخصت بگیرم. فرمود: که ای بزرگوار صاحب برکت! خدا می خواهد که تو را در چنین ثوابی شریک گرداند و بهره عظیمی از خیر و سعادت به تو کرامت فرماید که تو را واسطه چنین امری کرد. حکیمه گفت: به زودی به خانه خود برگشتم و زفاف آن معدن فتوت و سعادت را در خانه خود واقع ساختم. بعد از چند روزی آن سعد اکبر را با آن زهره منظر به خانه خورشید انوار یعنی والد مطهر او بردم و بعد از چند روز، آن آفتاب مطلع امامت در مغرب عالم بقاء غروب نمود و ماه برج خلافت امام حسن عسکری علیه السلام در امامت جانشین او گردید، و من پیوسته به عادت مقرر زمان پدر به خدمت آن امام البشر می رسیدم. پس روزی نرجس خاتون آمد و گفت: ای خاتون! پا دراز کن که کفش از پایت بیرون کنم، گفتم: تویی خاتون و صاحب من بلکه هرگز نگذارم که تو کفش از پای من بیرون کنی و مرا خدمت کنی بلکه من تو را خدمت می کنم و منت بر دیده می نهم، چون حضرت امام حسن عسکری علیه السلام این سخن را از من شنید گفت: خدا تو را جزای خیر دهد ای عمه. پس در خدمت آن جناب نشستیم تا وقت غروب آفتاب پس صدا زدم به کنیز خود که بیاور جامه های مرا تا بروم، حضرت فرمود: ای عمه! امشب نزد ما باش که در این شب متولد می شود فرزند گرامی که حق تعالی به او زنده می گرداند زمین را به علم و ایمان و هدایت بعد از آن که مرده باشد به شیوع کفر و ضلالت، گفتم:

از کی به هم می رسد ای سید من و من در نرجس هیچ اثر حملی نمی یابم ، فرمود که از نرجس به هم می رسد نه از دیگری . پس جستم پشت و شکم نرجس را و ملاحظه کردم ، هیچگونه اثری نیافتم ، پس برگشتم و عرض کردم حضرت تبسم فرمود و گفت : چون صبح می شود اثر حمل بر او ظاهر خواهد شد و مثل او مثل مادر موسی است که تا هنگام ولادت هیچ تغییری بر او ظاهر نشد و احدی بر حال او مطلع نگردید؛ زیرا که فرعون شکم زنان حامله را می شکافت برای طلب حضرت موسی و حال این فرزند نیز در این امر شبیه است به حضرت موسی . و در روایت دیگر این است که حضرت فرمود که حمل ما اوصیای پیغمبران در شکم نمی باشد و در پهلوی می باشد و از رحم بیرون نمی آید بلکه از ران مادران فرود می آییم ؛ زیرا که ما نورهای حق تعالی ایم و چرك و نجاست در از ما دور گردانیده است . حکیمه گفت که به نزد نرجس رفتم و این حال را به او گفتم ، گفت : ای خاتون ! هیچ اثری از حمل در خود مشاهده نمی نمایم . پس شب در آنجا ماندم و افطار کردم و نزدیک نرجس خوابیدم و در هر ساعت از او خبر می گرفتم و او به حال خود خوابیده بود، هر ساعت حیرتم زیاده می شد و در این شب بیش از شبهای دیگر به نماز و تهجد برخاستم و نماز شب ادا کردم چون به نماز وتر رسیدم نرجس از خواب جست و وضو ساخت و نماز شب را به جای آورد چون نظر کردم صبح کاذب طلوع کرده بود پس نزدیک شد شکی در دلم پدید آید از وعده ای که حضرت فرموده بود ناگاه حضرت امام حسن عسکری علیه السلام از حجره خود صدا زد که شك مکن که وقتش نزدیک رسیده . پس در این وقت در نرجس اضطراب مشاهده کردم پس او را در برگرفتم و نام الهی را بر او خواندم باز حضرت صدا زدند که سوره *إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ* را براو بخوان . پس از او پرسیدم که چه حال داری؟ گفت : ظاهر شده است اثر آنچه مولایم فرمود. پس چون شروع کردم به خواندن سوره *إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ*، شنیدم که آن طفل در شکم مادر با من همراهی می کرد در خواندن و بر من سلام کرد، من ترسیدم پس حضرت صدا کرد که تعجب مکن از قدرت حق تعالی که طفلان ما را به حکمت گویا می گرداند و ما را در بزرگی حجت خود ساخته است در زمین . پس چون کلام حضرت امام حسن عسکری علیه السلام تمام شسدت نرجس از دیده من غائب شد گویا پرده ای میان من و او حائل گردید، پس دویدم به سوی حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فریادکنان ، حضرت

فرمود: برگرد ای عمه! که او را در جای خود خواهی دید، چون برگشتم پرده گشوده شد و در نرجش نوری مشاهده کردم که دیده مرا خیره کرد و حضرت صاحب را دیدم که رو به قبله به سجده افتاده به زانوها و انگشتان سیابه را به آسمان بلند کرده و می گوید: (أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ وَ أَنَّ أَبِي أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَصِيُّ رَسُولِ اللَّهِ) . پس يك يك امامان را شمرد تا به خودش رسید فرمود: (اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي وَعْدِي وَ أَتَمِّمْ لِي أَمْرِي وَ ثَبِّتْ وَطْأَتِي وَ أَثْمِلِ الْأَرْضَ بِي عَدْلًا وَ قِسْطًا) ؛ یعنی خداوندا! وعده نصرت که به من فرموده ای وفا کن و امر خلافت و امامت را تمام کن استیلاء و انتقام مرا از دشمنان ثابت گردان و پر کن زمین را به سبب من از عدل و داد. و در روایت دیگر چنان است که چون حضرت صاحب الا مر متولد شد نوری از او ساطع گردید که به آفاق آسمان پهن شد و مرغان سفید دیدم که از آسمان به زیر می آمدند و بالهای خود را بر سر و روی و بدن آن حضرت می مالیدند و پرواز می کردند پس حضرت امام حسن عسکری علیه السلام مرا آواز داد که ای عمه فرزند مرا بگیر و به نزد من بیاور چون برگرفتم او را ختنه کرده و ناف بریده و پاک و پاکیزه یافتم و بر ذراع راستش نوشته بود که (جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا) ؛ (اسراء آیه ۸۱) یعنی حق آمد و باطل مضمحل شده و محو گردید پس به درستی که باطل مضمحل شدنی است و ثبات و بقا ندارد. پس حکیمه گفت که چون آن فرزند سعادت مند را به نزد آن حضرت بردم همین که نظرش بر پدرش افتاد سلام کرد پس حضرت او را گرفت و زبان مبارک بر دو دیده اش مالید و در دهان و هر دو گوشش زبان گردانید و بر کف دست چپ او را نشانید و دست بر سر او مالید و گفت ای فرزند سخن بگو به قدرت الهی ، پس صاحب الا مر استعاذه فرموده و گفت : (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَ نَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ) . (قصص آیه ۵-۶) این آیه کریمه موافق احادیث معتبره در شائن آن حضرت و آباء بزرگوار آن حضرت نازل شده و ترجمه ظاهرش این است : که می خواهیم منت گذاریم بر جماعتی که ایشان را ستمکاران در زمین ضعیف گردانیده اند و بگردانیم ایشان را پیشوایان در دین و بگردانیم ایشان را وارثان زمین و تمکن و استیلا بخشیم ایشان را در زمین و بنماییم فرعون و هامان را و لشکریهای ایشان را و از آن امامان آنچه را

حذر می کردند. پس حضرت صاحب الا مر علیه السلام، صلوات بر حضرت رسالت و حضرت امیرالمؤمنین و جمیع امامان فرستاد تا پدر بزرگوار خود، پس در این حال مرغان بسیار نزدیک سر مبارک آن جناب جمع شدند پس به یکی از آن مرغان صدا زد که این طفل را بردار و نیکو محافظت نما و هر چهل روز یک مرتبه به نزد ما بیاور، مرغ آن جناب را گرفت و به سوی آسمان پرواز کرد و سایر مرغان نیز از عقب او پرواز کردند، پس حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: سپردم تو را به آن کسی که مادر موسی، موسی را به او سپرد، پس نرجس خاتون گریان شد، حضرت فرمود: ساکت شو که شیر از پستان غیر تو نخواهد خورد و به زودی آن را به سوی تو بر می گردانند چنانچه حضرت موسی را به مادرش برگردانیدند؛ چنانچه حق تعالی فرموده است که پس برگردانیدیم موسی را به سوی مادرش تا دیده مادرش به او روشن گردد. پس حکیمه پرسید که این مرغ کی بود که صاحب را به او سپردی؟ فرمود که او روح القدس است که موکل است به ائمه که ایشان را موفق می گرداند از جانب خدا و از خطا نگاه می دارد و ایشان را به علم زینت می دهد. حکیمه گفت: چون چهل روز گذشت به خدمت آن حضرت رفتم چون داخل شدم دیدم طفلی در میان خانه راه می رود گفتم: ای سید من! این طفل دوساله از کیست؟ حضرت تبسم نمود و فرمود که اولاد پیغمبران و اوصیاء ایشان هرگاه امام باشند بخلاف اطفال دیگر نشو و نما نمی کنند و یک ماهه ایشان مانند یکساله دیگران است و ایشان در شکم مادر سخن می گویند و قرآن می خوانند و عبادت پروردگار می نمایند و در هنگام شیر خوردن، ملائکه فرمان ایشان می برند و هر صبح و شام بر ایشان نازل می شوند. پس حکیمه فرمود که هر چهل روز یک مرتبه به خدمت او می رسیدم در زمان امام حسن عسکری علیه السلام تا آنکه چند روزی قبل از وفات آن حضرت او را ملاقات کردم به صورت مرد کامل نشناختم او را، به فرزند برادر خود گفتم: این مرد کیست که مرا می فرمایی نزد او بنشینم؟ فرمود که این فرزند نرجس است و خلیفه من است بعد از من و عنقریب من از میان شما می روم باید سخن او را قبول کنی و امر او را اطاعت نمایی. پس بعد از چند روز حضرت امام حسن عسکری علیه السلام به عالم قدس ارتحال نمود و اکنون من حضرت صاحب الا مر علیه السلام را هر صبح و شام ملاقات می نمایم و از هرچه سؤال می کنم مرا خبر می دهد و گاهی است که می خواهم سؤال بکنم هنوز سؤال

ال نکرده جواب می فرماید: و در روایت دیگر وارد شده که حیکمه خاتون گفت که بعد از سه روز از ولادت حضرت صاحب الا مر علیه السلام مشتاق لقای او شدم رفتم به خدمت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام پرسیدم که مولای من کجا است؟ فرمود که سپردم او را به آن کسی که از ما و تو به او احق و اولی بود، چون روز هفتم شود بیا به نزد ما و چون روز هفتم رفتم گهواره ای دیدم بر سر گهواره دویدم مولای خود را دیدم چون ماه شب چهارده بر روی من خندید و تبسم می فرمود، پس حضرت آواز داد که فرزند مرا بیاور، چون به خدمت آن حضرت بردم زبان در دهان مبارکش گردانید و فرمود که سخن بگو ای فرزند! حضرت صاحب الا مر علیه السلام شهادتین فرمود و صلوات بر حضرت رسالت پناه و سایر ائمه علیهم السلام فرستاد و بسم الله گفت و آیه ای که گذشت تلاوت فرمود. پس حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمود که بخوان ای فرزند آنچه حق سبحانه و تعالی بر پیغمبران فرستاده است . پس ابتدا نمود از صحف آدم و به زبان سریانی خواند و کتاب ادريس و کتاب نوح و کتاب هود و کتاب صالح و صحف ابراهيم و تورات موسی و زبور داود و انجيل عيسى و قرآن جدم محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم را خواند پس قصه های پیغمبران را یاد کرد. پس حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمود که چون حق تعالی مهدی این امت را به من عطا فرمود و ملک فرستاد که او را به سراپرده عرش رحمانی برند پس حق تعالی به او خطاب نمود که مرحبا به تو ای بنده من که تو را خلق کرده ام برای یاری دین خود و اظهار امر شریعت خود و تویی هدایت یافته بندگان من ، قسم به ذات خودم می خورم که به اطاعت تو ثواب می دهم و به نافرمانی تو عقاب می کنم مردم را و به سبب شفاعت و هدایت تو بندگان را می آمرزم و به مخالفت تو ایشان را عقاب می کنم ، ای دو ملک برگردانید او را به سوی پدرش و از جانب من او را سلام برسانید و بگویید که او در پناه حفظ و حمایت من است او را از شر دشمنان حراست تا هنگامی که او را ظاهر نمایم و حق را با او برپا دارم و باطل را با او سرنگون سازم و دین حق برای من خالص باشد. تمام شد آنچه از (جلاءالعیون) نقل کردیم . (جلاءالعیون ص ۱۰۰۷ ۱۰۱۳) . و در (حق الیقین) نیز ولادت شریف آن حضرت را به همین کیفیت نقل کرده با بعضی روایات دیگر، از جمله فرموده : محمد بن عثمان عمری روایت کرده که چون آقای ما حضرت صاحب الا مر علیه السلام متولد شد حضرت

امام حسن عسکری علیه السلام پدرم را طلبید و فرمود که ده هزار رطل که قریب به هزار من می باشد نان و ده هزار رطل گوشت تصدق کنند بر بنی هاشم و غیر ایشان و گوسفند بسیاری برای عقیقه بکشند. و نسیم و ماریه کنیزان حضرت عسکری علیه السلام روایت کرده اند که چون حضرت قائم علیه السلام متولد شد به دو زانو نشست و انگشتان شهادت را به سوی آسمان نمود و عطسه کرد و گفت: (الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ)، پس گفت گمان کردند ظالمان که حجت خدا برطرف خواهد شد اگر مرا رخصت گفتن بدهد خدا، شکی نخواهند ماند. و ایضا نسیم روایت کرده که يك شب بعد از ولادت آن حضرت به خدمت او رفتم و عطسه کردم فرمود که (يَرْحَمُكَ اللَّهُ) من بسیار خوشحال شدم پس فرمود: می خواهی بشارت دهم تو را در عطسه؟ گفتم: بلی، فرمود: امان است از مرگ تا سه روز. (حق الیقین ص ۳۷۸ ۳۷۹). و اما اسماء و القاب شریفه آن حضرت علیه السلام، پس بدان که شیخ ما مرحوم ثقة الاسلام نوری رحمه الله در (نجم ثاقب) يك صد و هشتاد و دو اسم برای آن حضرت ذکر کرده و ما در اینجا به ذکر چند اسم از آن اسماء مبارکه تبرک می جوئیم. (منتهی الآمال ج ۲)

نام، القاب، کنیه ها و شمایل امام زمان عجل الله تعالی فرجه

نام اصلی حضرت، "محمد" است. نامی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و اله برای او گزارده و فرمود: اسم او اسم من، و کینه ی او کینه ی من {ابوالقاسم} است. مهدی: مشهورترین لقب حضرت است. مهدی، اسم مصدر هدایت است، به معنی کسی که به وسیله خدا هدایت شده باشد. امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرموده است: "آن حضرت را مهدی گویند؛ زیرا او مردم را به امری که گم کرده اند هدایت می کند" و نیز امام باقر علیه السلام فرموده است: "او را مهدی نامیدند، برای این که به امری پنهان (اسلام راستین) هدایت می کند".

قائم: یعنی قیام کننده به حق. رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرماید: "از این جهت قائم را قائم نامیدند، که پس از فراموش شدن نامش قیام کند" و امام جواد علیه السلام در جواب این پرسش که چرا او را "قائم" می نامند؟ چنین فرمود: "زیرا بعد از آن که

نامش از خاطره ها فراموش شود و اکثر معتقدین به امامتش ، از دین خدا برگردند ، قیام می کند"

منصور : امام باقر در تفسیر آیه ی شریفه ی : "فقد جعلنا" فرمود : " او حسین بن علی علیه السلام است " و مقصود از بقیه ی آیه شریفه ی "لولیه سلطانا و لا یسرف فی القتل انه کان منصورا" امام زمان (عج) است ، که نامش در این آیه " منصور " می باشد ، چنان که خداوند احمد و محمد را محمود و عیسی را مسیح خوانده است .

منتظر : از امام جواد علیه السلام پرسیدند : چرا وی را منتظر می گویند؟ فرمود : " زیرا وی برای مدتی طولانی غیبت می نماید و علاقه مندان به وی منتظر ظهورش خواهند بود؛ و آنها که تردید دارند انکار می کنند ..."

بقیه الله و حجة الله : روایت شده که چون آن حضرت خروج کند ، پشت به کعبه می کند ، و سیصد و سیزده مرد به دور او جمع می شوند و اولین کلامی که می گویند این آیه است : "بقیه الله خیر لکم ان کنتم مومنین" آن گاه می فرماید : منم بقیه الله و حجت او و خلیفه ی او بر شما . پس هیچ سلام کننده ای به او سلام نمی کند، مگر این که گوید : " السلام علیک یا بقیه الله فی ارضه " و بعضی ها گفته اند: لقب آن حضرت "حجت الله" است . نقش خاتم آن جناب ، "انا حجة الله" است .

القاب دیگری چون : خلف صالح ، شرید (رانده شده) ، غریم (طالب کار) ، مؤمل (منتظر ، و آرزو بر آورده شده) ، منتقم ، ماء معین (آب ظاهر و جاری بر روی زمین) ، ولی الله ، صاحب الامر ، صاحب الزمان و غیره است .

کنیه های آن حضرت عبارتند از : ابوالقاسم ، ابو صالح ، ابو عبدالله ، ابو ابراهیم ، ابو جعفر و ابوالحسین .

شمایل حضرت : امام مهدی علیه السلام از لحاظ صورت و سیرت شبیه پیامبر صلی الله علیه و اله است "شبلنجی" می نویسد مهدی یک جوان هاشمی است ، که دارای چشمان سیاه و ابروهای سیاه به هم پیوسته ، بینی بلند و قلمی ، ریش انبوه و خال هاشمی در گونه راست می باشد و نیز آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود : "مهدی از اولاد من است صورتش چون ماه شب چهارده می درخشد رنگش عربی گندمگون و اندامی بلند دارد " (منتهی الآمال ج ۲)

اخلاق و فضایل حضرت ولی عصر عجل الله فرجه

درباره ویژگی های اخلاقی و رفتاری امام دوازدهم علیه السلام آن چه از مجموع اخبار و روایات به دست می آید این است که وی از نظر خوی و سیرت به رسول اکرم صلی الله علیه و اله شبیه است خداوند کار او را در شبی سامان می دهد ، در حالی که بر سرش ابری است در آن شب فرشته ای بانگ می زند که این مهدی خلیفه ی خداست ، از او پیروی کنید . او زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد چنان که پیش از آن از ظلم و ستم پر شده بود . اسلام را آشکار می کند و ساکنان آسمان و زمین از او خرسند خواهند شد .

عیسی بن مریم پشت سر او نماز می گزارد و وی را بر کشتن دجال یاری میدهد . علم : در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است : "علم به کتاب خدای متعال و سنت رسول او در قلب مهدی ما رشد میکند، همچنان که گیاه به بهترین وجه مروید. پس هرکدام از شما باقی بماند ، تا او را دیدار نماید ، هنگام دیدنش عرضه بدارد: سلام بر شما، ای اهل خانه ی رحمت و نبوت ، و معدن علم و جایگاه رسالت" و نیز امام باقر علیه السلام فرموده است: "از میان مشرق و مغرب ، چیزی از مهدی علیه السلام پرسیده نمی شود، مگر این که پاسخ میگوید"

عدالت : بارزترین صفات نیکوی حضرت مهدی علیه السلام "عدالت" است. لذا آن بزرگوار به "عدل" ملقب گردیده ، چنان که در دعایی از خود آن حضرت برای شب های ماه رمضان روایت شده (معروف به دعای افتتاح) آمده است: "اللهم و صلّ علی ولیّ امرک القائم المومّل و العدل المنتظر" پروردگارا! درود بفرست بر ولی امرت که امید مردم و عدل منتظر است. از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود : "قسم به خدا ، عدل او (مهدی علیه السلام) داخل خانه هایشان میشود، همچنان که گرما و سرما داخل می شود". آری ، در عصر طلایی حکومت مهدی علیه السلام هیچ جای زمین باقی نمی ماند، مگر این که از برکت عدل و احسان او فیض برد زنده شود.

عبادت : امام کاظم علیه السلام در ضمن حدیثی در وصف آن حضرت چنین می فرماید: "بر رنگ گندمگونش از بیداری شب ها ، زردی نیز عارض می شود" و نیز در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است: "حضرت مهدی علیه السلام در روز ظهور، به اذن

پروردگار به مسجد الحرام می رود و پشت به مقام ابراهیم و رو به کعبه می ایستد و و چهار رکعت نماز می گزارد و سپس اعلام ظهور می فرماید"

آرامش و وقار: حارث بن مغیره گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: امام با چه نشانه ای شناخته می شود؟ فرمود: به آرامش و وقار. عرض کردم: دیگر چه؟ فرمود: نیز با حلال و حرام او را می شناسی، و نیازمندی مردم به او، در صورتی که او خود به هیچ کس نیاز ندارد... و نیز ابو جارود گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: هنگامی که قائم اهل بیت (یعنی امام حاضر) در گذشت، کسی که پس از او است به چه وسیله شناخته می شود؟ فرمود: "با راهنمایی و کم سخنی و وقار و آرامش، و اقرار آل محمد به برتری او، و از میان شرق و مغرب (یعنی در همه ی دنیا) چیزی از او پرسیده نمی شود، مگر این که پاسخ می گوید"

کمالات: امام مهدی علیه السلام تمام مرزهای کمال را احاطه کرده و به برترین مراتب جمال و جلال و کمال دست یافته است. چنان که امام صادق علیه السلام می فرماید: "هیچ معجزه و کرامتی از معجزات و کرامات پیامبران و اوصیا نیست، مگر این که خداوند متعال مثل آن را به دست قائم علیه السلام ظاهر می گرداند تا بر دشمنان اتمام حجت کند"

زهد: امام صادق علیه السلام به ابو بصیر فرمود: در باره خروج قائم، خیلی عجله دارید، هان! به خدا سوگند، او جامه ی موپین می پوشد، و نان جوین می خورد... او شبانگهان به دردمندان سر می زند و روز ها به نبرد در راه دین می پردازد. مردی از امام صادق علیه السلام پرسید: آقا جان! شما فرموده ای که علی ابن ابی طالب علیه السلام لباس خشن و زبر می پوشید، جامه ی چهار درهمی به تن میکرد و، حال آن که لباس نو در بر کرده ای؟! فرمود: علی علیه السلام در زمانی آن طور لباس می پوشید که انگشت نما و مورد انکار مردم نبود، ولی اگر امروز مثل آن لباس پوشیده شود انگشت نما می شود. پس بهترین لباس هر زمان لباس همان زمان است (البته معلوم است که مراد ترویج مد و مد پرستی نیست، و منظور امام آن فرهنگ لباس مقبول جامعه است که منافاتی با فرهنگ دینی و ملی مسلمین نداشته باشد) مگر این که قائم ما اهل بیت علیه السلام به پا خیزد لباس های علی علیه السلام را در بر می کند و روش او را پیش می گیرد.

جود و بخشش: مهدی علیه السلام اموال را به صورت مساوی میان همگان تقسیم کند، و کسی را بر کسی امتیاز ندهد و نیز آمده است: «علامة المهدی، ان یکون شدیداً علی العمّال، جواداً بالمال، رحیم بالمساکین» علامت مهدی این است که نسبت به کارگزاران دولت خویش بسیار سخت گیر است، بخشنده ی مال، و نسبت به مستمندان بسیار مهربان است.

حج: محمدبن عثمان از نواب خواص امام زمان علیه السلام می گوید: «صاحب این امر (امامت) هر سال در مراسم حج حاضر می شد. پس مردم را می بیند، آنها را می شناسد و آن ها او را می بینند، ولی نمی شناسند»

لقب القائم برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه

چنانکه همه می دانند یکی از القاب حضرت مهدی علیه السلام «قائم» است در وجه ملقب شدن آن حضرت به این لقب روایتی نقل شده است که قابل تأمل است، زیرا ظاهر آن دلالت دارد که این نام گذاری به این جهت بوده است که آن حضرت بعد از وفات ظهور خواهد کرد در حالی که حدود بیش از هزار روایت راجع به آن حضرت و غیبت و حیات و طول عمر ایشان در دست است که با توجه به آنها این خبر قابل اعتماد نیست ولی درباره سند و متن و مضمون آن اگر توضیحاتی داده شود سودمند است؟ پاسخ ازسایت آیه الله صافی: شیخ بزرگوار طوسی رحمه الله حدیث غیر معتبری (غیبت طوسی، ص ۲۸۲) را نقل می کند که ظاهرش دلالت بر این دارد که قائم به این سبب قائم نامیده شده که بعد از وفات قیام خواهد کرد. شیخ درباره این حدیث توضیحاتی داده است ولی ما بیش از آن که وارد بحث در این باره بشویم لازم می دانیم که به صورت مختصر، مبانی امامت را در تشیع که آیات قرآن مجید و احادیث و دلایل عقلی آن را اثبات می نماید متذکر شویم، این مبانی عبارتند از: ۱ امامت، عهدی است الهی که از سوی خدا افرادی که شایستگی عهده دار شدن آن را داشته باشند برای احراز این مقام معین و منصوب می شوند و این نصب و گزینش الهی به وسیله پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به مردم اعلام می شود. ۲ مهم ترین شرایط امام عصمت و علمیت او از همگان است که همه به علم و هدایت و ارشاد او محتاج باشند ولی او از همه بی نیاز است همان طور که از «خلیل بن احمد» نقل

است که دوباره امامت امیرالمؤمنین علی علیه السلام گفت: «احتیاج الكلّ الیه و استعناؤه عن الكلّ دلیل علی أنّه امام الكلّ». (معجم رجال الحديث ج ۷، ص ۷۶ و تنقیح المقال، ج ۱، ص ۴۰۳). ۳. زمین هرگز بدون حجت و امام باقی نخواهد ماند و هر کس امام زمان خود را شناسد و بمیرد، به مردن جاهلیت مرده است. ۴. امامان برحسب نص روایات متواتر از پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم دوازده نفرند. ۵. آن‌ها دوازده نفرند و همه از اهل بیت پیامبر علیهم السلام و بر حسب دلالت احادیث متواتر ثقلین، در ردیف قرآن هستند و هرگز از قرآن جدا نخواهند شد. ۶. امامان به غیر از نوبت که به پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم ختم شده است همه مناصب دینی و حکومتی را، دارا هستند و همان طور که حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه فرموده آن‌ها «قَوَامُ الله» (نهج البلاغه، صبحی الصالح، خ ۱۵۲، قسمت ۷) بر خلق می‌باشند. و یا بنابر روایت دیگر، آن‌ها کشتی نجات امت اند. لا یدخل الجنة الا من عرفهم و عرفوه و لا یدخل النار الا من انکرهم و هم سفن النجاة و امان الامة من الضلال والاختلاف (بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۳۲). به بهشت داخل نمی‌شود مگر کسی که آن‌ها را بشناسد و آن‌ها او را بشناسند، و به آتش داخل نمی‌شود مگر کسی که آن‌ها را انکار نماید، و به آن‌ها کشتی‌های نجات و پناه امت از گمراهی‌ها و اختلاف هستند. ۷. اسم و اوصاف و ترتیب امامت ائمه علیهم السلام از سوی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم مشخص شده است و علاوه بر آن هر امامی امام بعدی را مشخص ساخته است. این‌ها از جمله مبانی مهم اعتقاد به اصل امامت است و برای هر مسلمان معتقد به عالم غیب و مؤمن به خدا و رسالت حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه وآله وسلم، میزان حقانیت این مبانی، یا با برهان عقلی، یا با آیه قرآنی، یا به وسیله حدیث قطعی و متواتر است. و اغلب این مبانی از هر سه طریق قابل اثبات است. بر این که امامت يك عهد الهی است و خداوند آن را معین می‌کند هم به دلیل عقلی و هم قرآنی و هم به سنت متواتر، استدلال شده است. علامه حلی در «الفین» هزار دلیل بر این مسأله اقامه کرده و اساساً این مسأله ریشه در توحید دارد و چون اصل توحید شامل توحید در حاکمیت و ولایت بر خلق هم می‌شود: له الحكم و له الامر و هو السلطان و هو الحاكم و هو الولي و هو العالم بمصالح عباده لا امر و لا نهی لأحد دونه. فرمان و دستور از او است، او پادشاه و فرمانروا و ولی امر است، او آگاه به نیازهای شایسته بندگانش می‌باشد و برای

کسی جز او امر و نهی نیست. در مسأله لزوم عصمت و اعلیّت امام نیز دلایل عقلی و قرآنی و روایی زیادی هست از جمله آنهاست این آیه: أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَيَّ الْحَقُّ أَحَقُّ أَنْ يَتَّبِعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي... إِلَّا أَنْ يُهْدِيَ (یونس ۳۵) آیا کسی که هدایت به سوی حق می‌کند برای پیروی شایسته تر است با آن کس که خود هدایت نمی‌شود مگر هدایتش کنند. مرحوم علامه بر مسأله لزوم عصمت نیز، هزار دلیل اقامه کرده است. بر این اصل که زمین بدون حجت و امام باقی نخواهد ماند علاوه بر آیاتی مثل: وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ (رعد ۷) و برای هر گروهی هدایت کننده ای است. وَ لَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ (قصص ۵۱) ما آیات قرآن را یکی پس از دیگری برای آنان آوردیم. يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ (اسراء ۷۱) به یاد آورید روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان می‌خوانیم! اخبار متواتری دلالت دارد که از جمله آن‌ها است همان خبر معروف «کمیل بن زیاد» از امیرالمؤمنین علیه السلام که در نهج‌البلاغه و سایر کتاب‌های شیعه زیدیه و امامیه و حتی کتاب‌های معتبر اهل سنت مثل «تذکره الحقاظ» ذکر شده است از این جا معلوم می‌شود که همه بر این مطلب اتفاق دارند که زمین هرگز از حجت خالی نخواهد ماند البته فرق نمی‌کند حجت ظاهر و آشکار و یا غایب و مستور باشد. و در «صواعق» و دیگر کتاب‌های اهل سنت از حضرت امام زین‌العابدین علیه‌السلام کلامی نقل کرده اند که در آن به مسأله خالی نبودن زمین از امامی از اهل بیت علیهم‌السلام تصریح شده است. بر این اصول حتی در دعا‌های ائمه اهل بیت علیهم‌السلام هم تصریح شده است. در این باره تنها به قسمتی از دعای روز عرفه حضرت امام زین‌العابدین علیه‌السلام اکتفا می‌کنیم، حضرت در آن جا می‌فرمایند: اللَّهُمَّ إِنَّكَ آيَدْتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمامٍ أَقَمْتَهُ عِلْماً لِعِبَادِكَ، وَ مَنْاراً فِي بِلَادِكَ، بَعْدَ أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ، وَ جَعَلْتَهُ الذَّرِيعَةَ إِلَيَّ رِضْوَانِكَ، وَ افْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ، وَ حَذَرْتَ مَعْصِيَتَهُ، وَ أَمَرْتَ بِامْتِثَالِ أَوَامِرِهِ، وَ الْإِنْتِهَاءِ عِنْدَ نَهْيِهِ، وَ أَلَّا يَتَقَدَّمَ مَتَقَدِّمًا، وَ لَا يَتَأَخَّرَ عَنْهُ مَتَأَخَّرًا، فَهُوَ عِمَصَةُ الْإِلَازِئِينَ، وَ كَهْفُ الْمُؤْمِنِينَ عُرْوَةُ الْمُسْتَكِينِ وَ بَهَاءُ الْعَالَمِينَ (صحيفة سجّادية، فرازی از دعای ۴۷) بار خدایا! تو دین خود را در هر زمان و روزگاری به وسیله امام و پیشوایی که او را برای گمراهان بندگان علامت راهنما و در شهرهای نشانه راه حق برپا داشته ای، تأیید و کمک کرده ای پس از آن که پیمان دوستی آن امام را به پیمان به دوستی خود پیوسته، و او را سبب خوشنودی خویش گردانیده ای، و طاعت و فرمانبری از او را واجب

نموده، و از فرمان نبرد از او ترسانیده ای، و به فرمان بری فرمان‌هایش، و باز ایستادن از نهی و بازداشتن او، و به این که کسی از او پیشی نگیرد، و از او واپس نماند فرمان داده ای، پس او است نگه‌دار پناهندگان و پناه اهل ایمان و دستاویز چنگ زدگان، و جمال و نیکویی جهانیان. هر کس در این بخش از دعا دقت کند هم دیدگاه شیعه امامیه را درباره اصل امامت می‌شناسد و هم می‌فهمد که این منزلت و شؤون از اول برای ائمه علیهم‌السلام ثابت بوده و کسی چیزی بر آن اضافه ننموده است. اما این مسأله که «هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناخته باشد، مثل مردن جاهلیت مرده است» این هم یک اصلی است که احادیث معتبری به آن تصریح دارند، احادیث متواتر ثقلین و سفیه و امان، همه به این مطلب دلالت دارند. و بر این مطلب - که امامان دوازده نفرند و همه از اهل بیت پیامبرند و یازده نفر آن‌ها از نسل علی و فاطمه علیهم‌السلام می‌باشند که اول آن‌ها امیرالمؤمنین علیه‌السلام است و پس از او امام حسن مجتبی علیه‌السلام و پس از او سید الشهداء امام حسین علیه‌السلام و بعد از او نه نفر از فرزندان او که نهم از آن‌ها که دوازدهمین امام است حضرت مهدی علیه‌السلام است در احادیث متواتری تصریح شده است. بنابر این چون این اصول با ادله محکمی ثابت شده اند لذا بزرگانی چون شیخ طوسی، شیخ مفید، ابن بابویه، علامه مجلسی علیه‌السلام در مقابل هر کسی که پیش از این بزرگان یا بعد از آن‌ها در این باره سخنی برخلاف گفته یا حدیث نادر و غیر مقبولی را مورد توجه قرار داده است به این اصول تمسک جسته، حرف وی را رد کرده اند، چون سند دلیل‌های این اصول به حدی معتبر است که حتی می‌توان ادعا کرد که بعد از اصل توحید و نبوت هیچ اصلی به این اندازه قابل اعتماد نیست. با این همه، هیچ عالم شیعی معتقد نشده است که قیام قائم بعد از مرگ وی تحقق خواهد یافت. و هر کس هم در این زمینه به احتمالات بی‌اساس معترض شده است با توجه به مطالب گفته شده چون آن‌ها کاملاً بر خلاف واقعیت‌های علمی هستند، لذا نباید به آن‌ها اعتنا شود چون ارزش علمی ندارند. بعد از این مقدمه و بیان این نکته حیات حضرت و غیبت طولانی ایشان بر اساس این اصول، ثابت شده است، دیگر جایی برای این روایت که می‌گوید قائم علیه‌السلام بعد از رحلت قیام خواهد کرد نمی‌ماند، زیرا این حرف موجب انقطاع رشته امامت و خالی ماندن زمین از وجود امام معصوم و رد اخبار بسیاری که دلالت بر عمر و غیبت طولانی

آن حضرت دارد، خواهد شد. گذشته از همه این ایرادها خبر مذکور از نظر سند غیر معتبر است و کسی از علما و فقها حتی در يك مسئله فرعی به مانند این خبر استناد ننموده است. زیرا یکی از روایت کنندگان آن «موسی بن سعدان حنط» است که علمای علم رجال او را تضعیف کرده، خبرش را بی اعتبار می دانند. او این خبر را از عبدالله بن قاسم روایت کرده است که او را «البطل الکذاب» پهلوان بسیار دروغ گو لقب داده اند. او هم از ابو سعید خراسانی روایت کرده است که اگر وجود او را مجهول نشماریم بر حسب مصادر رجالی، حال او که راست گو یا دروغ گو است روشن نیست. حال ملاحظه کنید در برابر آن مبانی محکم و صدها حدیث معتبر چگونه می توان به این خبر که روایاش قهرمان دروغ پردازی است اعتماد کرد و بر طبق آن نظر داد.

اما وجه به کار بردن لقب قائم برای امام عصر علیه السلام: قائم یعنی قیام کننده. زیرا حضرت در برابر اوضاع سیاسی و انحرافات دینی و اجتماعی قیام خواهد کرد و عالم را بعد از آن که از ظلم و جور پر شده از عدل و داد پر خواهد نمود. به علاوه از آن لقب مسأله قیام به شمشیر و مبارزه مسلحانه نیز استفاده می شود. با این حال چون قیام مراتب ضعیف و قوی دارد، از اخبار استفاده می شود که همه امامان قائم به امر بوده اند و بر همه آن ها به مناسبت مواضعی که داشته اند به کار بردن این لقب صحیح و به جا است ولی چون قیام حضرت مهدی علیه السلام يك قیام جهانی است که همه اوضاع و احوال اجتماعی و فردی و سیاسی و اقتصادی بشر را فرا می گیرد و وعده های خدا به انبیا و وعده های انبیا به مردم را تحقق می بخشد این لقب به طور مطلق در حق آن حضرت به کار می رود و لذا هر کجا «قائم» بگویند و قرینه ای بر اراده شخص دیگر از امامان نباشد از آن، حضرت مهدی علیه السلام فهمیده می شود. در حدیثی که شیخ صدوق رحمه الله در کتاب کمال الدین از حضرت امام محمد تقی علیه السلام امام نهم روایت کرده است که: «إِنَّ الْأَمَامَ بَعْدَ إِبْنِي عَلِيٍّ...؛ امام بعد از من پیروی از او پیروی از من است و امامت بعد از او در پیورش حسن امام حسن عسکری علیه السلام قرار داده شده است. امر او امر پدرش و گفته او گفته پدرش و اطاعت از او اطاعت از پدرش می باشد. راوی می گوید: بعد حضرت ساکت شدند. من عرض کردم: أَيْ فَرَزَنْدَ رَسُولِ خُدا، پس امام بعد از حسن

علیه السلام کیست؟ حضرت نخست تا حد زیادی گریه کردند و سپس فرمودند: پس از حسن پسر او «القائم بالحق المنتظر» است. گفتم: ای پسر پیامبر، برای چه آن حضرت «قائم» نامیده شده است؟ حضرت فرمودند: برای این که او بعد از آن که نام و یادش به فراموشی سپرده شود و بیشتر معتقدین به امامت وی از عقیده خود برگردند قیام خواهد کرد. گفتم: برای چه منتظر نامیده شده است؟ فرمود: چون برای او غیبتی است که مدت آن بسیار طولانی است، به گونه ای که خروج و ظهور او را مؤمنان واقعی انتظار می کشند، ولی اهل شک و ریب انکار می نمایند و نفی کنندگان به او استهزاء می کنند و کسانی که وقتی برای آن معین می کنند فراوان می گردند و عجله کنندگان در آن غیبت، هلاک می شوند ولی مسلمین اهل تسلیم نجات می یابند. (کمال الدین، ج ۲ ص ۳۷۸، ب ۳۶، ح ۳. در کتاب معانی الاخبار نیز حدیثی مشابه این وجود دارد). علامه مجلسی رحمه الله فرموده اند: مقصود از مردن، که در آن روایت ضعیف آمده بود این است که آن حضرت پس از به فراموشی سپرده شدن نام و یادش قیام خواهد کرد. و شیخ مفید در ارشاد روایتی را از حضرت صادق علیه السلام نقل می کند که در آن می فرماید: «سَمِّي الْقَائِمَ لِقِيَامِهِ بِالْحَقِّ؛ (رشاد شیخ مفید، ص ۳۶۴، فصل فی سیره. علیه السلام) قائم نامیده شده است به خاطر این که قیام به حق خواهد نمود». و از بعضی اخبار وجه دیگری که استفاده می شود این است که آن حضرت به این لقب از جانب خدا ملقب شده چون در عوالم قبل از این عالم، آن حضرت قائم بودند و نماز می خواندند. درباره نام گذاری آن حضرت به لقب «المهدی» نیز وجوه مناسبی ذکر شده است و البته چنان نیست که «القائم» عنوان اصلی و «المهدی» عنوان فرعی باشد. هر دو لقب است و نام گذاری با هر کدام از آن ها علتی جداگانه دارد، بلکه می توان گفت چون مفهوم مهدی «من هداه الله» است یعنی کسی که خدا او را هدایت کرده است، به حسب رتبه باید کسی قائم باشد که خدا او را هدایت کرده باشد. یعنی قائم باید «من هداه الله» باشد اما لازم نیست که همیشه «من هداه الله» قائم باشد. اما اعمال و اصلاحات و حرکت و قیام و نهضتی که از مهدی علیه السلام صادر می شود مثل تشکیل حکومت جهانی متوقف بر قیام و فعلیت یافتن لقب قائم است.

جواب چهل مسئله مشکل از کودکی خردسال

سعد بن عبدالله قمی حکایت نماید: روزی متجاوز از چهل مسئله از مسائل مشکل را طرح و تنظیم نمودم تا از سرور و مولایم حضرت ابومحمد امام حسن عسکری صلوات الله علیه پاسخ آن ها را دریافت نمایم . از شهر قم به همراه بعضی دوستان حرکت کردیم ، هنگامی که وارد شهر سامراء شدیم به سوی منزل آن حضرت روانه گشته ؛ و پس از آن به منزل رسیدیم و اجازه ورود گرفتیم ، داخل منزل رفتیم . همین که وارد شدیم ، دیدم مولایم همچون ماه شب چهارده در گوشه اتاق نشسته است و کودکی خردسال را - که چون ستاره مشتری می درخشید - روی زانوی خود نشانیده بود. امام عسکری علیه السلام به ما اشاره نمود که جلو بیایید و در نزدیکی ما بنشینید. پس طبق فرمان حضرت ، جلو رفتیم و نشستیم و سپس مسائل خود را به طور کلی مطرح کردیم . امام حسن عسکری صلوات الله علیه پس از شنیدن سخنان و مسائل ما، اشاره به کودک نمود و اظهار داشت : ای فرزندم! جواب شیعیان خود را بیان کن . پس ناگهان ، آن کودک لب به سخن گشود و تمامی سؤ ال های ما را یکی پس از دیگری جواب کافی داد. و بعضی سؤال ها را پیش از آن که مطرح کنیم ، خود کودک مطرح می نمود و جواب آن را می داد، به طوری که همه ما مبهور و متحیر گشتیم که این کودک خردسال چگونه در همه علوم و فنون شناخت کافی دارد و با بیان شیوا تمامی سؤ ال های ما را پاسخ داده و همه افراد را قانع می نماید؟! پس از آن ، امام حسن عسکری صلوات الله علیه متوجه من شد و فرمود: ای سعد بن عبدالله! برای چه از قم به این جا آمده ای؟ عرضه داشتم : یا ابن رسول الله! چون عشق زیارت و دیدار شما را داشتم ، بدین جا آمده ام . حضرت فرمود: پس بقیه سؤال هائی را که تهیه و تنظیم نموده بودی ، چه شد؟ پاسخ دادم : آماده و موجود می باشد. فرمود: از فرزندم و نور چشمم مهدی موعود علیه السلام آنچه می خواهی سؤ ال کن . و من بعضی از سؤال های باقی مانده را مطرح کردم ، از آن جمله عرضه داشتم : یا ابن رسول الله! تاءویل و تفسیر کهیعیست چیست؟ کودک در حالی که روی زانوی پدر نشسته بود، فرمود: این حروف ، رموز و اخبار غیبی الهی است که خداوند متعال در رابطه با حضرت زکریا پیغمبر علیه السلام بیان نموده است ؛ چون زکریا از خداوند متعال درخواست نمود تا اسامی خمس طیبه - پنج تن آل عبا علیهم السلام - را تعلیم او نماید.

لذا جبرئیل علیه السلام نازل شد و آن اسامی مقدّس را به او تعلیم داد؛ و هر زمان حضرت زکریّا علیه السلام یادی از آن اسامی : (محمّد، علیّ، فاطمه، حسن، حسین علیهم السلام) می کرد، هر نوع مشکل و ناراحتی که داشت، حلّ و برطرف می گردید. امّا هرگاه نام حسین علیه السلام بر زبان جاری می نمود و به یاد آن حضرت می افتاد، غم و اندوه فراوانی بر او عارض می شد؛ و افسرده خاطر می گردید. پس روزی اظهار داشت : خداوندا! علّت چیست که هر موقع چهار نفر اوّل را یادآور می شوم، دلم آرام می گیرد؛ و چون پنجمین نفر را یاد می کنم محزون گردیده و در چشمانم اشک حلقه می زند؟! خداوند متعال کهیعیص را در جواب حضرت زکریّا علیه السلام برایش فرستاد؛ و تمامی اخبار و جریاناتی را که بر امام حسین علیه السلام مقدر شده بود، به وسیله آن رموز کلیّ برایش بیان نمود: (کاف) یعنی ؛ کربلاء و حوادث آن، (هاء) اشاره به هلاکت و شهادت اهل بیت سلام الله علیهم، (یاء) یزید - بن معاویه است - که بر امام حسین علیه السلام ظلم نمود، (عین) اشاره به عطش و تشنگی آن حضرت و اصحاب می باشد؛ و (صاد) صبر و استقامت آن حضرت خواهد بود. سپس آن کودک در ادامه فرمایشات گهربارش فرمود: چون حضرت زکریّا علیه السلام این خبر را - از فرشته الهی یعنی ؛ جبرئیل امین علیه السلام - دریافت نمود، وارد مسجد شد و به مدّت چند روز در مسجد ماند و مرتّب گریه و زاری می کرد. و در پایان افزود: حضرت یحیی پیغمبر و امام حسین علیهما السلام هر دو به مدّت شش ماه در رحم مادر بودند؛ و در شش ماهگی به دنیا آمدند. (اکمال الدّین : ص ۴۵۲، ح ۲۱، إرشادالقلوب دیلمی : ص ۴۲۲، احتجاج طبرسی : ج ۲، ص ۵۲۳، ح ۳۴۱، بحارالانوار: ج ۵۲، ص ۷۸ - ۸۸، داستان بسیار طولانی است، به قطعاتی از آن بسنده گردید)

تشخیص حرام و حلال برای کودکی خردسال

احمد بن اسحاق یکی از اصحاب و کسانی بود که وجوهات شیعیان را جمع آوری می کرد و خدمت امام حسن عسکری علیه السلام تقدیم می نمود، او حکایت نماید: روزی به قصد تحویل مقدار قابل توجهی وجوهات شرعیّه به همراه تعدادی سؤال در مسائل مختلف، به محضر مبارک امام حسن عسکری علیه السلام عازم سامراء شدم. و چون وارد شهر سامراء

گشتم ، به سمت منزل آن حضرت حرکت نمودم ، هنگامی که به منزل رسیدم ، اذن دخول طلبیده و وارد شدم ، چشمم به کودکی خردسال افتاد که بر زانوهای حضرت نشسته و بسیار خوش سیما و نورانی بود. همین که کیسه های پول و جواهرات را خدمت حضرت نهادم ، امام علیه السلام نگاهی به کودک نمود و فرمود: ای پسر! این اموال از شیعیان و دوستان تو می باشد، آن ها را باز کن و تحویل بگیر. ناگهان کودک اظهار داشت: ای پدر! و ای سرورم! آیا جایز است که دست به سوی اموالی دراز کنم که آغشته به حرام است؟! سپس امام حسن عسکری علیه السلام خطاب به احمد بن اسحاق کرد و فرمود: آنچه در کیسه ها می باشد، بیرون بیاور تا فرزندم حلال و حرام آن ها را از یکدیگر جدا نماید. چون یکی از کیسه ها را خدمت حضرت نهادم ، کودک فرمود: این مال فلان شخص است که در فلان محله شهر قم سکونت دارد و مقدار آن ۷۲ دینار است که بابت فروش باغ ارثیه پدرش و نیز فروش هفت عدد پیراهن و کرایه مغازه هایش می باشد. امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: عزیزم! صحیح گفتی ، اکنون بگو کدام حرام است ؟ کودک اظهار داشت : در این کیسه يك دینار مشکوک ، از اهالی شهر ری مربوط به فلان تاریخ می باشد که مغشوش می باشد. بعد از آن اشاره به یکی دیگر از کیسه ها نمود و فرمود: و اما صاحب این کیسه فلانی است که در فلان شهر مقدار يك مَن و يك چارك نخ ، جهت بافتن پارچه به فلان بافنده معروف داد و چون مدتی طولانی سپری شد، نخ ها را دزد به سرقت برد. و صاحب نخ ها نَسَاج را تکذیب و جریمه کرده و به جای آن ، يك مَن و نیم غرامت گرفت . پس يك دینار با تکه ای پارچه در این کیسه از چنین راهی به دست آمده است که حرام می باشد . سپس کودک به سؤمین کیسه اشاره نمود و اظهار داشت : آنچه درون آن است ، مال فلان شخص است که در فلان محله قم زندگی می کند و مقدار هفتاد دینار می باشد که نباید دست زده شود. امام حسن عسکری علیه السلام سؤال نمود: چرا؟

فرزند جواب داد: چون این ها بابت فروش گندم هائی است که مالک با کشاورز اختلاف داشتند و مالک سهم کشاورز را کمتر از حَقِّش داد. پدر فرمود: بلی ، صحیح است . پس از آن کودک فرمود: ای احمد بن اسحاق! این اموال را به صاحبانش برگردان ، ما نیازی به آن ها نداریم . و اکنون کیسه آن پیرزن را بیاور. احمد گفت : من به طور کلی آن کیسه را فراموش کرده بودم ... (احتجاج طبرسی : ج ۲، ص ۵۲۴ - ۵۲۷، ینابیع المودة : ج ۳، ص

۳۱۹، ح ۵). آری برای امام معصوم، چون از طرف خداوند متعال منصوب است، سنّ و سال، موقعیت مطرح نیست؛ بلکه هر زمان هر چه اراده نماید حاصل خواهد شد و به همه امور آگاه می گردد. پس مواظب اعمال و گفتار خود در تمام حالات باشیم که امام زمان، روحی له الفداء و سلام الله علیه غافل نخواهد بود.

فقط حجت بر حجت نماز می خواند

مرحوم شیخ صدوق، راوندی و برخی دیگر از بزرگان، به نقل از ابوالا دیان حکایت کنند: چون امام حسن عسکری علیه السلام مسموم و شهید شد، جعفر برادر امام عسکری آمد تا بر جنازه اش نماز بخواند، ناگهان کودکی با چهره ای گندمگون و موهائی کوتاه وارد شد و عبای جعفر را گرفت و او را کنار کشید و به او فرمود: ای عمو! کنار برو، من سزاوارترم که بر پدرم نماز بخوانم. پس جعفر با چهره ای درهم و خشمناک کنار رفت و آن کودک معصوم جلو آمد و بر جنازه مقدّس پدر نماز خواند و سپس حضرت را کنار پدر بزرگوارش - امام هادی علیه السلام - دفن کردند. بعد از آن، کودک رو به من کرد و فرمود: ای ابوالا دیان بصری! جواب نامه ها را بیاور. ابوالا دیان گوید: من با خود گفتم: تاکنون این دوّمین علامت از نشانه های امامت؛ و دو نشانه دیگر باقی مانده است. پس از آن، نزد جعفر رفتم، دیدم که شخصی به او گفت: این کودک چه کسی بود که بر جنازه امام علیه السلام نماز خواند و به شما جسارت کرد؟ جعفر جواب داد: واللّه! تاکنون او را ندیده بودم و نمی شناسم. در همین بین که مشغول صحبت بودیم، چند نفر از شهر قم آمدند و احوال امام حسن عسکری علیه السلام را جویا شدند و چون از وفات و شهادت حضرت آگاه گشتند، سؤال کردند: امام و حجت خدا، بعد از او کیست؟ بعضی افراد اشاره به جعفر کردند، پس مردم قم به جعفر سلام کرده و تسلیت گفتند و اظهار داشتند: تعدادی نامه و مقداری وجوهات نزد ما است، چنانچه نشانی و مقدار آن پول ها را بگوئی، تحویل شما خواهیم داد. جعفر با عصبانیت از جای خویش برخاست و لباس های خویش را تکان داد و گفت: مردم از ما علم غیب می خواهند، مگر ما علم غیب می دانیم؟! و سپس از مجلس خارج گردید. بعد از این جریان خادمی وارد شد و اظهار داشت: نامه های شما از فلانی و فلانی و فلانی است و نیز داخل کیسه همیانی که همراه آورده اید، مقدار هزار و

ده دینار وجه شرعیّه می باشد. پس مردمی که از قم آمده بودند، نامه ها و پول هائی را که همراه آورده بودند، همه را تحویل خادم دادند. ابوالادیان گوید: آنچه امام حسن عسگری علیه السلام نسبت به فرزندش امام زمان - عَجَلُ اللّٰهِ فرجه الشّریف - بیان نموده بود تحقق یافت ؛ و دیگر شكّ و شبهه ای باقی نماند. پس از آن جعفر به دربار معتمد عباسی رفت و قضیه حضور حضرت مهدی - فرزند امام حسن عسگری علیهما السلام - و چگونگی اقامه نماز، همچنین جریان مردم قم و وجوهات شرعیّه را برای او مطرح کرد و متوکل دستور داد تا آن کودک را که خلیفه بر حقّ خداوند است دست گیر نمایند. پس تمام مأمورین و جاسوسان برای دست گیری حجتّ خدا، بسیج شدند؛ ولیکن به هر حيله و وسیله ای متوسّل گشتند، آن حضرت را نیافتند. (الخرايج والجرايح : ج ۳، ص ۱۱۰۲، ذیل ح ۲۳، إكمال الدين : ص ۴۷۶ ینابیع المودّة : ج ۳، ص ۳۲۶، با تفاوت در الفاظ)

اطّلاعیه ای بر غیبت کبرای امام عصر عجل الله فرجه

مرحوم شیخ طوسی و صدوق آورده اند براین که یکی از اصحاب به نام ابومحمّد، حسن بن احمد حکایت کند: در آن سالی که وکیل خاصّ حضرت بقیّة اللّٰه الا عظم علیه السلام به نام شیخ علیّ بن محمّد سمریّ رضوان اللّٰه علیه وفات یافت ، چند روز پیش از آن به دیدارش رفتم ؛ و عدّه ای از مردم نیز به ملاقات آن بزرگوار آمده بودند. نامه ای را از طرف حضرت صاحب الزّمان عَجَلُ اللّٰهِ تعالی فرجه الشّریف به جمعیّت حاضر در منزلش ، ارائه نمود، که در آن مرقوم فرموده بود: بسم اللّٰه الرّحمن الرّحیم ، ای علیّ بن محمّد سمریّ! خداوند به دوستان و آشنایان تو اءجر عنایت فرماید، همانا که مدّت عمر تو به پایان رسیده است و تا شش روز دیگر رحلت خواهی نمود، کارهای خود را انجام بده و آماده رحلت برای جهان ابدی باش . به کسی بعد از خودت وصیّت نکن و کسی را جانشین خویش مگردان ، چون که زمان غیبت کبری فرا رسیده است . و پس از آن ، دیگر - به طور مشخص و آشکارا - ظهور نخواهم کرد، مگر آن که خداوند متعال اجازه فرماید، که مدّت زمانی بسیار طولانی باید سپری شود. قبل از ظهور من دل های مردم ، سیاه و تاریک و بی رحم خواهدشد، ظلم و تجاوز بر زمین گسترانیده می شود. سپس در پایان آن نامه شریفه ،

چنین مرقوم فرموده بود: بعضی از افراد ادّعی دیدار و ملاقات با مرا می نمایند، هرکس قبل از خروج سفیانی و قبل از صیحه آسمانی چنین ادّعائی را بنماید - که مرا به طور مشخص دیده است - او دروغ گو و مفتری می باشد. (بنابر این، بزرگانی که خدمت حضرت شرف حضور یافته اند در ابتداء ملاقات، امام زمان سلام الله علیه را شناخته اند، بلکه پس از جدائی به وسیله علائم و نشانه هائی، آن حضرت را شناخته اند؛ و فرمایش حضرت شامل این افراد نمی شود). (و لا حول و لا قوّة إلا بالله العلیّ العظیم). ابومحمّد حسن بن احمد در ادامه افزود: من آن نامه و مرقومه شریفه را دیدم و چون روز ششم فرا رسید به منزل وی آمدم، او را در حال احتضار یافتیم، به او گفته شد: وصی و جانشین تو کیست؟ در پاسخ اظهار داشت: تمام امور برای خداوند و در اراده او می باشد و تمام مقدّرات در دست او است. و این آخرین کلامی بود که گفت و به لقاءالله پیوست و دیگر کسی از او سخنی نشنید. (غیبت شیخ طوسی: ص ۳۹۵، ح ۳۶۵، کمال الدّین شیخ صدوق: ص ۵۱۶ ح ۴۴، خرائج راوندی: ج ۳، ص ۱۱۲۸، بحار: ج ۵۱، ص ۳۶۰، ح ۷، و ج ۵۳، ص ۳۱۸، س ۳).

او را نخواهید دید

مرحوم شیخ طوسی رضوان الله تعالی علیه به نقل از علی بن بلال بغدادی - که یکی از اصحاب امام عسکری علیه السلام می باشد - حکایت کند: روزی به همراه عدّه ای از علماء و بزرگان حضور مبارک امام حسن عسکری علیه السلام رسیدیم تا آن که از آن حضرت درباره امام و حجّت بعد از او جويا شویم. همین که وارد مجلس حضرت شدیم، مشاهده کردیم که بیش از چهل نفر در منزل آن حضرت، اجتماع نموده اند. عثمان بن سعید عمّری حرکت کرد و ایستاد، سپس اظهار داشت: یابن رسول الله! می خواهم از چیزی سؤال نمایم که شما خود نسبت به آن آگاه هستی. حضرت فرمود: فعلاً بنشین. بعد از آن، امام حسن عسکری علیه السلام با حالت غضب حرکت نمود و خواست که از مجلس خارج شود، فرمود: کسی بیرون نرود تا من برگردم. چون لحظاتی گذشت، حضرت مراجعت نمود و با صدائی بلند فرمود: ای عثمان بن سعید! و عثمان بن سعید با شنیدن سخن حضرت، از جای خود برخاست و سر پا ایستاد. امام علیه السلام اظهار

داشت: آیا مایل هستی که شما را به آنچه می خواهید، خبر بدهم؟ همگان گفتند: آری، یا ابن رسول الله! امام علیه السلام فرمود: آمده اید تا از خلیفه و حجّت خداوند متعال، بعد از من سؤال نمائید؟ تمام افراد گفتند: بلی، ما برای همین موضوع آمده ایم. در همین اثناء، کودکی همانند پاره ای از ماه و شبیه ترین افراد به امام حسن عسکری علیه السلام ظاهر گشت. سپس امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: این کودک، امام شما پس از من خواهد بود و او خلیفه و جانشین من می باشد، او را تابع و پیرو باشید؛ و از یکدیگر متفرّق نشوید که هلاک می گردید. و سپس افزود: از این پس دیگر او را نخواهید دید، مگر آن که وقتش فرا برسد. (کتاب الغیبة شیخ طوسی: ص ۳۵۷، ح ۳۱۹)

ظهور از پشت پرده با خصوصیات

یکی از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام به نام یعقوب بن منقوش حکایت کند: روزی به منزل حضرت ابومحمّد، امام حسن عسکری علیه السلام وارد شدم، حضرت داخل ایوان جلوی یکی از اتاق ها نشسته بود و سمت راست امام علیه السلام پرده ای جلوی درب اتاق آویزان بود، خدمت حضرت عرض کردم: یا ابن رسول الله! امام و صاحب ولایت بعد از شما کیست؟ فرمود: پرده را بالا بزن، تا متوجّه شوی! همین که پرده را بالا زدم، کودکی پنج ساله را در قیافه نوجوانی ده ساله با این خصوصیات نمایان شد: چهره سفید و نورانی، ابروانی کشیده و با فاصله، کفان دست درشت و غلیظ، شانه های بزرگ و بافاصله و در سمت راست گونه اش خالی سیاه وجود داشت. سپس آن کودک، با وقار و هیبتی مخصوص به طرف پدر بزرگوارش امام حسن عسکری علیه السلام جلو آمد؛ و در بغل پدر، روی زانویش نشست. بعد از آن امام عسکری علیه السلام به من فرمود: ای یعقوب! این کودک بعد از من امام و صاحب شماها خواهد بود. همین که سخن پدر تمام شد و او را معرفی نمود، از روی زانوی پدر برخاست و پدرش اظهار نمود: ای عزیزم! ای پسر! در حال حاضر داخل برو و مخفی باش تا آن هنگامی که خداوند متعال اراده کند. و چون آن حجّت خدا وارد اندرون منزل شد، امام حسن عسکری علیه السلام مرا مخاطب قرار داد و فرمود: ای یعقوب! اکنون بلند شو و داخل اتاق را خوب نظر کن که چه می بینی؟ پس طبق فرمان امام علیه السلام بلند شدم و هر چه به اطراف نگاه کردم کسی را

نیافتیم ؛ و متوجه شدم که حجت خدا از چشم ها ناپدید و غایب شده است . (اعلام الوری طبرسی : ج ۲، ص ۲۵۰، إكمال الدین : ص ۴۰۷، ح ۲)

علائم و نشانه های قبل از ظهور نور

مرحوم شیخ صدوق و برخی دیگر از بزرگان آورده اند: روزی حضرت امیرالمؤمنین ، امام علیّ علیه السلام در جمع بسیاری از مردم سخنرانی می نمود؛ در ضمن فرمایشات خود، خطاب به مردم کرد و اظهار داشت : (حدیث طولانی بود، فرمایشات حضرت گلچین گردیده است) ای مردم! پیش از آن که من از بین شما رحلت نمایم و مرا از دست دهید، آنچه می خواهید سؤ ال کنید و جویا بشوید تا از علوم من بهره مند گردید. از بین افراد جمعیت ، شخصی به نام صعصعه بن صوحان از جای برخاست و سؤ ال کرد: یا امیرالمؤمنین! دجال چگونه و در چه زمانی خارج می شود؟ امام علیّ علیه السلام در جواب فرمود: پیش از خروج دجال ، علائم و نشانه هائی است که یکی پس از دیگری ظاهر و واقع خواهد شد، از آن جمله : مردم نسبت به نماز بی توجه شده و کارهای دنیا و امور شخصی را در اولویت قرار می دهند، نسبت به امانت بی اعتنا گشته و سهل انگاری می کنند، دروغ و دروغ گوئی را حلال و توجیه می نمایند؛ و نیز رباخواری شایع و عادی گردد. مردم ساختمان ها را محکم و مجلل بنا می کنند، دین و احکام شریعت را با دنیا و اموال آن مبادله می نمایند، افراد سفیه و بی خرد برای اجراء امور جامعه برگزیده می شوند، زنان در مسائل مختلف مورد مشورت قرار می گیرند، دید و بازدید خویشاوندان با یکدیگر قطع می گردد. و پیروی از تمایلات و هواهای نفسانی انجام می پذیرد؛ و خونریزی ، عادی و ساده گردد، حلم و بردباری مذموم و به ظلم و تجاوز فخر و مباهات شود. رؤ ساء و حکماء، اشخاصی فاجر و فاسق باشند، کارگزاران و گردانندگان امور جامعه ، افرادی ظالم و بی باک خواهند بود؛ و عارفان عالم ، نسبت به دین خائن باشند؛ قاریان ، قرآن را وسیله معاش و خودنمائی قرار دهند، شهادت و گواه ناحق رایج گردد، تهمت و ارتکاب گناه عادی و ساده باشد. قرآن را - فقط - زیبا بنویسند و زیبا بخوانند (بدون آن که توجهی به معنا و محتوای آن داشته باشند؛ و نیز بدون آن که در امور زندگی و موقعیت کاری خود، مورد عمل قرار دهند)، مساجد و عبادتگاه ها مزین و مجلل - ولی بی

محتوا - باشد، دل ها از یکدیگر جدا و بلکه مخالف همدیگر گردند، عهد و وفا اهمیتی نداشته ؛ و زن ها با مردان در امور اقتصادی و تجاری مشارکت نمایند. افراد فاجر و فاسد - بجهت ایمنی از شرشان - مورد احترام قرار می گیرند، دروغ گویان تصدیق و تاءیید می شوند، هرکس نسبت به دیگری بدبین و مشکوک می باشد؛ و به همدیگر جسارت و توهین روا داشته و انجام می دهند، زنان سوار اسب و موتور، دوچرخه و... می شوند؛ و همچنین از جهت قیافه ، زنان و مردان شبیه یکدیگر می گردند. برای هر قضیه و جریان شهادت دهند، بدون آن که در جریان امر و یا از واقعیت خبر داشته باشند و یا بدانند که حق با کیست . مردم احکام و مسائل دین را می آموزند نه برای دین ، بلکه برای دنیا و معاش ، آن ها دنیا و متعلقات آن را با ارزش و عظیم بدانند؛ ولی آخرت را بی ارزش و هیچ محسوب نمایند. گرگان صفتان ، لباس میش بر تن کنند؛ ولی دل ها و درون آن ها متعفن و فاسد باشد. سپس حضرت امیرالمؤمنین علی صلوٰات الله علیه افزود: در يك چنین زمانی هرکس و هر مؤمنی به دنبال پناهگاهی می گردد؛ در آن هنگام دجال ظهور و خروج می کند، در حالی که چشم راست ندارد و چشم چپش در پیشانی او همچون ستاره صبح می درخشد، در پیشانیش نقش کافر می باشد. او سوار بر الاغی سفید رنگ خواهد بود و به سوی شامات حرکت می کند و در محلی به نام بیداء - که بین مکه معظمه و مدینه منوره واقع شده است - درون زمین فرو می رود؛ و تمام تابعین و پیروان او حرام زاده هستند. سپس امام زمان علیه السلام ظهور و قیام می نماید؛ و نیز حضرت عیسی مسیح علیه السلام حضور می یابد و پشت سر او نماز می خواند.(الخرایج و الجرایج : ج ۳، ص ۱۳۳ - ۱۳۷، ح ۵۳، اکمال الدین : ص ۵۲۵، ح ۱) . همچنین مرحوم شیخ مفید آورده است : امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: پیش از آن که حضرت قائم - آل محمد علیهم السلام - قیام و ظهور نماید؛ بجهت زیادی معصیت و گناه ، مردم به وسیله آتش و نور سرخی که در آسمان نمایان می شود مورد زجر و سختی قرار می گیرند، در بغداد و بصره خسف و نقصان به وجود آید، در بصره خونریزی شود و ساختمان هایش خراب و اهل آن فانی گردند، در عراق خوف و وحشتی حاکم شود که راه فرار و نجاتی بر آن ها نباشد. (ارشاد: ج ۲، ص ۳۷۸، إعلام الوری طبرسی : ج ۲، ص ۲۸۴، س ۱۳)

حوادث ظهور و خروج نور

حضرت باقرالعلوم علیه السلام به بعضی از دوستان خود فرمود: دست از پا خطا نکنید و مشغول انجام وظایف خود باشید تا زمانی که علائم و نشانه‌هایی که برای طرَح می‌کنم آشکار شود. (علائم و نشانه‌هایی از غیبت و ظهور منجی عالم بشریت، حضرت بقیّة اللّٰه الا عظم - روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء، عَجَل اللّٰه فی فرجه الشّریف - می‌باشد که هر کدام نیاز به توضیح و تشریح دارد که باید به کتابهای مربوطه ارجاع شود. ضمناً حدیث بسیار طولانی بود که به قطعه‌هایی از ترجمه آن اکتفا شد). قبل از ظهور امام زمان علیه السلام بین مردم يك درگیری وسیعی انجام خواهد شد و جمع بسیاری کشته می‌شوند، بعد از آن شخصی به عنوان سفیانی، لشکری را متشکل از هفتاد هزار مرد جنگی و مسلّح، به سوی کوفه بسیج می‌کند و در نتیجه آن خونریزی و غارت اموال و نفوس بسیاری رُخ می‌دهد. در همین بین، لشکری از سمت خراسان با در دست داشتن پرچم‌های مخصوصی حرکت می‌کنند که در بین آن‌ها تعدادی از یاران امام زمان علیه السلام نیز وجود دارد. سپس لشکر خراسانی با لشکر سفیانی در بین شهر حیره و کوفه با یکدیگر درگیر می‌شوند. سپس سفیان متوجّه خواهد شد که مهدی موعود علیه السلام ظهور کرده است و آن حضرت در حال حرکت به سوی مَکّه می‌باشد، به همین جهت گروه عظیمی را جهت تعقیب آن حضرت روانه می‌کند. پس چون لشکر سفیانی هنگامی که در محلّی به نام بیداء - بین مَکّه و مدینه - برسند و فرود آیند، ندائی از آسمان به زمین خطاب می‌شود که: تمامی نیروهای سفیانی را به جز سه نفر در خود فرو بَر، که اثری از آن‌ها باقی نباشد. و اما آن سه نفر را خداوند متعال، صورت‌هایشان را به پشت بر می‌گرداند و به صورت و قیافه سگ در می‌آیند و مسخ می‌شوند. سپس در يك چنین زمانی حضرت ولّیّ عصر، امام زمان علیه السلام در کنار کعبه الهی قرار گرفته و بر دیوار آن تکیه زده و به اهل زمین خطاب می‌نماید و می‌فرماید: ای مردم! ما برای یاری دین خدا آمده ایم و هرکس مایل باشد، می‌تواند به گروه ما بپیوندد. و به دنبال آن می‌افزاید: ما اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله هستیم؛ و از هر فردی نسبت به خداوند متعال و رسولش نزدیک‌تر و اولی‌تر می‌باشیم، پس هرکس بخواهد که نسبت به حضرت آدم، نوح و ابراهیم؛ و همچنین نسبت به تمامی پیامبران الهی، حتّی حضرت محمّد

صلوات الله علیهم با من مذاکره و احتجاج کند، آماده ام . پس از آن ، می فرماید: آیا خداوند متعال در قرآن نفرموده است : إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ. (آل عمران : آیه ۳۳ و ۳۴) من تداوم بخش و خلف آدم و نوح هستم ، من برگزیده ابراهیم و محمد صلوات الله علیهم هستم ، هر که می خواهد پیرامون قرآن و یا پیرامون سنت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله با من احتجاج و مناظره نماید، آماده ام ؛ چون از هرکس دیگری به آن ها نزدیک تر و به آن ها آشناتر هستم . بعد از آن ، در ادامه فرمایشات خود می افزاید: آن هائی که کلام مرا شنیدند و متوجه شدند، خداوند آن ها را هدایت نماید. ضمناً شنوندگان حاضر، این مطالب و مسایل را به دیگران که غایب هستند گزارش دهند امام محمد باقر علیه السلام فرمود: در چنین موقعیتی خداوند متعال اصحاب و یاران حضرت حجت علیه السلام را که تعداد آن ها سیصد و سیزده نفر می باشند، جمعشان می نماید، همان طوری که در قرآن چنین فرموده است : أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (بقره آیه ۱۴۸) سپس این تعداد افراد با امام زمان علیه السلام بیعت می کنند؛ و عهد و میثاق حضرت رسول صلی الله علیه و آله نزد اوست که از پیامبران یکی از پس دیگری به ارث نهاده شده است . حضرت باقر العلوم علیه السلام در پایان افزود: امام زمان علیه السلام از فرزندان حسین بن علی علیهما السلام می باشد که خداوند متعال قضیه قیام آن حضرت را در يك شب تنظیم و اصلاح می نماید و نام مبارك و گرامی او همانند نام جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله خواهد بود. (اختصاص شیخ مفید: ص ۲۵۵ و ۲۵۷، بحارالانوار: ج ۵۲، ص ۳۰۵، ح ۷۸)

همچون شمایل جدش ظاهر می شود

روزی حضرت صادق آل محمد صلوات الله علیهم در جمع بعضی از شاگردان خود پیرامون شروع ظهور قائم آل محمد عجل الله فرجه الشریف ، چنین اظهار نمود: به خدا سوگند! او را می بینم که در حال ورود به مکه معظمه می باشد، در حالتی که پیراهن و عبای رسول الله صلی الله علیه و آله را بر تن ؛ و عمامه آن حضرت را بر سر و کفش های وصله دارش را در پای خود کرده ؛ و نیز چوب دستی او را در دست گرفته و به عنوان يك

چوپان به همراه چند گوسفند می آید تا داخل مگه گردد... با این که صدها سال از عمر مبارکش سپری شده ، اما با شکل و قیافه جوانی شاداب ظاهر می گردد و هیچ اثر پیری در او دیده نمی شود؛ و به تنهایی وارد مسجدالحرام و به کعبه پناهنده می گردد.

و چون شب فرا رسد و مردم به خواب بروند، جبرئیل به همراه میکائیل و تعدادی از دیگر ملائکه نازل می شوند و نزد حضرت ولی عصر، امام زمان صلوات الله علیه می آیند.

در این هنگام ، جبرئیل علیه السلام به صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف گوید: ای سرور من ! گفتار تو مقبول و دستور تو نافذ خواهد بود. پس از آن ، امام زمان علیه السلام دستی بر صورت خود می کشد و اظهار می دارد: حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که وعده اش فرا رسیده و ما را وارث زمین گردانیده است و جایگاه ما بهشت خواهد بود، خداوند بهترین پاداش را برای عمل کنندگان مخلص قرار داده است .

بعد از آن ، حضرت بین رکن و مقام می ایستد و با فریادی رعد آسا ندا می دهد: ای کسانی که خدا شما را برای یاری من ذخیره داشته است ، به پاخیزید و به سوی من بشتابید و مرا یاری کنید. امام صادق علیه السلام در ادامه فرمایش خود افزود: صدای امام زمان به گوش همگان در شرق و غرب عالم خواهد رسید. و چون این صدا به گوش همه برسد، تمامی اصحاب و یاران آن حضرت کمتر از يك چشم بر هم زدن گرد او جمع خواهند شد، که تعداد آن ها سیصد و سیزده نفر، به تعداد اصحاب حضرت رسول صلی الله علیه و آله در جنگ بدر خواهد بود. سپس تمامی افراد با حضرت بیعت خواهند کرد؛ و اول کسی که دست امام زمان را می گیرد و بیعت می کند، جبرئیل امین علیه السلام است و پس از آن سایر ملائکه که بر زمین فرود آمده اند؛ و سپس جنّیانی که در رکاب آن حضرت باید باشند و بعد از آن ها مؤمنینی که کنار آن حضرت اجتماع کرده اند، بیعت می نمایند.(مختصر بصائرالدرجات ص ۱۸۲ - ۱۸۳)

ظهور نور در مدینه و اعدام دو جنایت کار

یکی از اصحاب و شاگردان امام صادق علیه السلام ضمن پرسش های متعدّدی از آن حضرت سؤال کرد: وقتی امام زمان علیه السلام در شهر کوفه برنامه خود را اجراء نماید، به کدام شهر رهسپار خواهد شد؟ فرمود: به مدینه جدّم رسول الله صلی الله علیه و آله

مراجعت می نماید؛ و چون حضرت - ولیّ عصر عجّل الله تعالی فرجه الشریف - وارد مدینه منوره گردد حوادثی عجیب رخ می دهد؛ مؤمنین در شادکامی و سرور قرار خواهند گرفت و کافران در ذلّت و بدبختی خواهند بود. سپس حضرت وارد مسجد النبی می شود و کنار قبر جدّش رسول الله صلی الله علیه و آله می آید و با صدای بلند می گوید: ای جمع خلائق! آیا این قبر جدّم رسول الله است؟ خواهند گفت: آری، ای مهدی آل محمّد! پس از آن اظهار می فرماید: چه کسانی کنار قبر او قرار گرفته اند؟ گویند: دو هم نشین او، ابوبکر و عمر کنار آن حضرت دفن شده اند. امام زمان (عج) با این که از واقعیت امر آگاه است، مطرح می نماید: چرا از بین تمام امت فقط این دو نفر اینجا دفن شده اند؟ آیا احتمال نمی دهید که کسانی دیگر دفن شده باشند؟ در جواب گویند: غیر از آن دو نفر کسی دیگر کنار حضرت رسول دفن نشده است، چون که آن دو خلیفه آن حضرت بوده اند. بعد از آن می فرماید: آیا کسی از شماها در این موضوع - و دفن آن دو نفر - شک و شبهه ای ندارد؟ همه خواهند گفت: خیر. و چون مدّت سه روز از این جریان بگذرد، دستور دهد تا نبش قبر کنند و جسد آن دو نفر را از قبر درآورند، بدون آن که تغییری در شکل و قیافه آن ها پدید آمده باشد؛ و سپس دستور می دهد: جسد هر دو نفرشان را بر درختی خشک آویزان کنند؛ و آن درخت سبز و دارای میوه گردد و کسانی که ولایت و حکومت آن ها را قبول داشته اند، گویند: این دو نفر، چه افراد شریفی بوده اند؛ اکنون حقّ بر همگان آشکار شد و ما پیروز گشتیم. بعد از آن ندائی از طرف حضرت مهدی (عج) به گوش همگان می رسد: دوستداران این دو نفر هر که هست، سر جای خود بایستد و آن هائی که مخالف این دو می باشند، در سمتی دیگر قرار گیرند. چون جمعیت از یکدیگر جدا شوند، به دستور آن حضرت، باد سیاه و وحشتناکی می وزد و آن دو جسد را با تمام علاقه مندانشان به همراه درخت می سوزاند. سپس حضرت دستور می دهد تا آن دو جسد سوخته شده را فرود آورند و به اذن و اراده خداوند زنده می شوند و اجتماعی عظیم از اقشار مختلف گرد هم آیند. بعد از آن، حضرت ضمن خطبه ای مفصل تمام جنایت ها و ظلم هائی که از حضرت آدم به بعد شده، برای جمعیت بازگو می فرماید تا آن موقعی که به خانه حضرت فاطمه زهراء سلام الله علیها و امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام حمله کردند و در خانه را آتش زدند و محسن آن حضرت را بین در و دیوار سقط کردند.

و جریان كربلاء و شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش و نیز اسارت اهل بیت ش را، همچنین به شهادت رسیدن تمامی ائمه و ذراری آن ها و تمام ظلم و جنایاتی که بر علیه مؤمنین انجام گرفته است و نیز عمل های زنا که در جامعه واقع شده - تا زمان ظهور امام زمان علیه السلام - به تمامی آن ها اشاره می نماید. و چون همه ظلم ها و جنایت ها را برشمارد، با دلیل و برهان بر علیه آن دو نفر اثبات می نماید و آنها نیز می پذیرند و اعتراف می کنند. پس از آن که اعتراف کردند، هر دو نفرشان را مؤاخذه و قصاص می کند و دستور می دهد: آن ها را دار بزنند و در آن هنگام آتشی از درون زمین خارج می گردد و آن ها را می سوزاند، سپس باد شدیدی می وزد و خاکستر آن ها را متلاشی و پراکنده می کند. (مختصر بصائر: ص ۱۸۶ - ۱۸۸، هدایة الکبری حنینی: ص ۴۰۱، س ۱، بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۲، س ۱۵)

تهیه آذوقه لشکر امام زمان (عج)

مرحوم شیخ صدوق، کلینی و برخی دیگر از بزرگان آورده اند: حضرت صادق آل محمد از قول پدرش، حضرت باقرالعلوم علیهما السلام حکایت فرماید: هنگامی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور نماید و بخواهد قیام نماید، قیام خود را از مکه معظمه شروع نموده و ابتداء به سمت شهر کوفه حرکت می کند. و قبل از آن که به همراه لشکر و یاران خویش حرکت نماید، منادی حضرت در بین جمعیت، نداء دهد: کسی حق ندارد به همراه خود غذا و آب حمل کند، سپس حضرت دستور می دهد تا سنگ حضرت موسی بن عمران علیه السلام - که به مقدار بار شتری است - برداشته شود و همراه نیروها آورده شود، پس در هر منزلی که فرود آیند، از آن سنگ چشمه ای از آب گوارا جاری گردد که هر گرسنه ای از آن میل کند، سیر گردد؛ و نیز هر تشنه ای از آن آب بیاشامد، سیراب شود و نیازی به طعام و مایعات نخواهند داشت. و این آذوقه خوراکی و آشامیدنی برای تمامی افراد لشکر امام زمان علیه السلام می باشد، تا هنگامی که در نجف اشرف و کوفه وارد شوند. (اصول کافی: ج ۱، ص ۲۳۱، ح ۳، إكمال الدین: ص ۶۷۰، ح ۱۷، الخرائج والجرایح: ج ۲، ص ۶۹۱، ح ۱)

خلیفه تمام انبیاء و ائمه در شهر کوفه

امام صادق علیه السلام در ادامه سخنان مفصلی که برای یکی از اصحابش به نام مفصل مطرح فرموده است، چنین حکایت نماید: در آن هنگامی که قائم آل محمد (عجل الله تعال فرجه الشریف) ظهور نماید، پایگاه و مرکز حکومتش شهر کوفه خواهد بود. و چون از مکه معظمه و مدینه منوره حرکت نماید و داخل شهر کوفه گردد، اولین سخن آن حضرت با مردم چنین است: ای جمع خلائق! آگاه و هوشیار باشید، هر که مایل است حضرت آدم و شیث را بنگرد، نزد من آید؛ همانا که من خلیفه آن ها هستم. هرکس بخواهد که حضرت نوح و سام را ببیند، سوی من بیاید که من خلیفه آن ها می باشم. هر که تصمیم دارد حضرت ابراهیم و اسماعیل را مشاهده نماید، نزد من آید که من خلیفه آن ها می باشم. هرکس علاقه دارد حضرت موسی و یوشع را بشناسد، نزد من آید که من خلیفه آن ها هستم. هر که دوست دارد حضرت عیسی و شمعون را بنگرد، سوی من آید که من خلیفه آن ها می باشم. هر که شیفته دیدار حضرت محمد مصطفی و امیرالمؤمنین است، نزد من آید که من خلیفه آن ها هستم. هر که میل دارد بر حسن و حسین نگاه کند، نزد من آید که من جانشین آن ها هستم. هر که علاقه مند دیدار اهل بیت و ائمه اطهار است، نزد من آید که من خلیفه آن ها می باشم. ای مؤمنین! بشتابید به سوی من تا شما را به تمام آنچه آگاهید و آنچه نا آگاه هستید آشنا سازم؛ هرکس آشنا به کتاب های آسمانی است، توجه کند و گوش فرا دهد، سپس امام زمان علیه السلام مقداری از کتاب حضرت آدم و شیث و نیز مقداری از کتاب حضرت نوح و ابراهیم علیهم السلام را تلاوت می فرماید و مواردی که از آن ها را تحریف و دگرگون شده است مطرح می نماید؛ و پس از آن نیز آیاتی از قرآن را -طبق آنچه بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله نازل شده و امام علی علیه السلام تاءلیف و جمع آوری نموده- تلاوت می فرماید. و تمام مسلمان ها گویند: قرآنی که بر محمد رسول الله صلی الله علیه و آله نازل شده است، این است که حضرت تلاوت می نماید. پس از آن، امام علی علیه السلام رجعت و ظهور می نماید و علائم ایمان و کفر بر چهره هرکس آشکار می گردد. (مختصر بصائر الدرجات: ص ۱۸۴، هدایة الکبری حنینی: ص ۳۹۷، س ۱۲۵، بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۹، س ۴)

ده هزار نیرو در مقابل میلیاردها

حضرت عبدالعظیم حسنی رحمة الله علیه حکایت کند: روزی خدمت حضرت جواد الا ثمه علیهم السلام عرض کردم: یا ابن رسول الله! امیدوارم که شما قائم از اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله باشید. امام جواد علیه السلام فرمود: ای ابوالقاسم! هر يك از ما ائمه، در زمان و موقعیت خود، قائم و مجری احکام الهی و هدایت گر مردم به سوی دین خدا می باشیم. ولیکن آن قائمی که خداوند به وسیله او زمین را از شرک و فساد پاک می گرداند و عدل و داد را می گستراند، ولادتش مخفی و پنهان می باشد و از دید انسان ها غایب و نامعلوم خواهد بود، بردن نام او در زمان غیبتش حرام است. او هم نام و هم گنیه با حضرت رسول، محمد صلی الله علیه و آله می باشد؛ طئی الارض می نماید و زمین برایش می چرخد، تمام مشکلات برایش آسان می گردد و سختی ها و ناملایمات در مقابل حضرتش ذلیل و متواضع می باشند. به تعداد اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگ بدر یعنی سیصد و سیزده نفر از دورترین سرزمین ها برایش احضار و اجتماع می نمایند که خداوند متعال در قرآن، نیز به آن اشاره نموده: اءَیْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (بقره: آیه ۱۴۸) یعنی؛ هر کجا باشید، خداوند شما را حاضر می گرداند، زیرا که او بر هر کاری قادر و توانا است. و چون این تعداد نفرات تکمیل گردد، با حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف عهد و پیمان ببندند، ده هزار نیروی کمکی دیگر برایش می رسد و با اذن خداوند متعال قیام و خروج می نماید؛ و دشمنان و مخالفان خداوند را به قدری به هلاکت می رساند تا خدا از او راضی گردد.

حضرت عبدالعظیم حسنی گوید: اظهار داشتم: ای مولا و سرورم! چگونه به رضایت و خوشنودی پروردگار، علم پیدا می کند؟ فرمود: خداوند توانا، در قلب و درونش رحمت و راءفت ایجاد می گرداند. و چون امام زمان علیه السلام داخل مدینه منوره شود، دو بُت لات و عُزّی را خارج نماید و آن ها را در حضور افراد به آتش می کشد. (احتجاج طبرسی: ج ۲، ص ۴۸۱، ح ۳۲۴، إعلام السوری: ج ۲، ص ۲۴۲، إكمال الدّین: ص ۳۷۷، ح ۲، کفایة الاثر: ص ۲۸۱، با مختصر تفاوتی در الفاظ)

شهرسازی و تخریب و گندی حرکت اءفلاك

مرحوم شیخ طوسی، صدوق، طبرسی و بعضی دیگر از بزرگان، به نقل از ابو بصیر حکایت کنند: رزوی حضرت ابوجعفر، امام محمد باقر علیه السلام در جمع برخی از اصحاب فرمود: هنگامی که قائم آل محمد علیه السلام ظهور نماید و به شهر کوفه وارد شود، دستور می دهد تا چهار مسجد از مساجد کوفه را تخریب نمایند، و دیوار و ساختمان سایر مساجد را کوتاه نمایند، تا برسد به آن مقدار ارتفاعی که در عهد پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله بوده است، به طوری که بر هیچ ساختمانی از منازل و خانه ها اشراف نداشته باشد. همچنین دستور میدهد تا خیابانهای اصلی شهرها از شصت ذرع - یعنی؛ سی متر - کمتر نباشد و آنچه مسجد و عبادت گاه در مسیر توسعه خیابان ها باشد تخریب می گردد. و نیز تمامی پیش آمد ساختمان ها و بالکن هایی که مقداری از فضای جاده ها را گرفته باشد؛ و نیز سکو و پله هایی که قدری از راهروها را اشغال کرده، دستور می دهد تا همه آن ها تخریب و اصلاح شود. کلیه بدعت ها و سنت های نامشروع را باطل و نابود می نماید و سنتهای حسنه سعادت بخش را جایگزین آن ها خواهد نمود. تمامی شهرهای قسطنطنیه و چین و دیلم را فتح و در قلمرو حکومت اسلامی درخواهد آورد. و مدت حکومت امام زمان (عج)، هفت سال به طول خواهد انجامید (و در بعضی روایات وارد شده است که مدت حکومت حضرت ۳۰۹ (سیصد و نه) سال خواهد بود، به همان مقداری که اصحاب کهف در غار مخفی و غائب بودند. اعلام الوری: ج ۲، ص ۲۹۳، به نقل از غیبه شیخ طوسی، تاج الموالید و دلائل الامامة طبری) و پس از آن خداوند متعال آنچه را مقدر نموده باشد واقع خواهد شد. ابوبصیر که راوی این حکایت است، گوید: از حضرت باقرالعلوم علیه السلام سؤال کردم: چگونه ممکن است این همه برنامه ها و فعالیت ها در مدت هفت سال اجراء شود؟! حضرت فرمود: خداوند متعال تمامی اءفلاك و کرات را دستور می دهد که از سرعت حرکت خود بکاهند تا زمان، طولانی گردد؛ - بنابر این روزگار و سال ها - در آن زمان ظهور حضرت صاحب الزمان (عج) طولانی تر از الان خواهد بود. سؤال کردم: منجمین و ستاره شناسان گویند: اگر تغییری در حرکت اءفلاك و ستارگان به وجود آید، فساد بر پا می شود، آیا گفته آنان صحیح است؟ امام علیه السلام فرمود: خیر صحت ندارد، این گفتار زندیق ها و بی دین ها است؛ ولیکن مسلمین چنین

اعتقادی را ندارند، مگر نه این است که خداوند متعال ماه را برای پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله دو نیم کرد. و حتی قبل از پیغمبر اسلام، خورشید برای حضرت یوشع علیه السلام از مسیر خود برگردانیده شد (هچنین برای حضرت امیر المؤمنین امام علی صلوات الله علیه، خورشید چندین بار از جای خود حرکت کرد و باز گشت، مانند رجوع خورشید در آن هنگامی سر مقدس پیغمبر اکرم بر زانوی امام علی علیه السلام بود؛ و نیز در سر زمین بابل و... که شیعه و سنی در کتابهای خود نگاشته اند) و هیچ فساد و خللی در نظام زمین و آسمان واقع نگردید. سپس امام باقر علیه السلام اشاره نمود: به طولانی شدن زمان در قیامت برای محاسبه و بررسی اعمال بندگان -، که قرآن نیز به آن تصریح کرده است. (الغیبه ص ۴۷۵، ج ۴۹۸، إعلام الوری ج ۲، ص ۲۹۱، روضة الواعظین ص ۲۶)

اولین برنامه عملی پس از ظهور و قیام

حضرت ابوجعفر، باقرالعلوم علیه السلام درباره اولین مرحله ظهور حضرت حجت امام زمان (روحی له الفداء و عجل الله تعالی فرجه الشریف) چنین مطرح فرموده است :

مثل این که در حال مشاهده ظهور قائم آل محمد (عج) هستم که از مکه به همراه پنج هزار ملائکه به سوی کوفه حرکت می کند، و جبرئیل سمت راست و میکائیل سمت چپ و مؤمنین در جلو حضرت حرکت می کنند و در حال فرستادن نماینده و لشکر به سوی شهرها می باشد. هنگامی که وارد شهر کوفه گردد، سه پرچم برافراشته شده و به یکدیگر ملحق شوند. سپس حضرت داخل مسجد کوفه می شود و بالای منبر می رود و مشغول صحبت و سخنرانی خواهد شد؛ ولی در اثر تراکم جمعیت و گریه افراد، کسی متوجه محتوای فرمایشات آن حضرت نمی شود. تا آن که جمعه دوم فرا می رسد و مردم درخواست می کنند تا حضرت نماز جمعه را اقامه نماید. به همین جهت، حضرت دستور می فرماید تا بیرون مسجد شهر کوفه - بین نجف و کوفه - محلی را جهت اقامه نماز جمعه تهیه کنند و در همان مکان، نماز جمعه را اقامه می نماید. بعد از آن دستور می دهد تا آن که نهر و کانالی از (شط فرات) کربلاء تا نجف اشرف حفر نمایند و در همان زمان بدون فاصله، چندین پل بر سر هر گذرگاهی نصب خواهد شد؛ و در کنار هر پلی يك آسیاب ساخته شود. امام محمد باقر علیه السلام در پایان افزود: مثل این که می بینم

پیرزنی را که مقداری گندم بر سر نهاده و جهت آرد کردن به سمت یکی از آن آسیاب ها می آورد و آسیابان ، گندم های او را بدون مُزد و بدون اُجرت آرد نموده و تحویلش می دهند. (غیبة طوسی : ص ۴۶۸ ، ح ۴۸۵ ، إعلام الوری : ج ۲ ، ص ۲۸۷ ، خرائج : ج ۳ ، ص ۱۱۷۶) . امام صادق علیه السلام پیرامون مسجدی که بیرون شهر کوفه به دستور حضرت حجت (عج) ساخته می شود فرمود: دارای يك هزار درب ورودی و خروجی خواهد بود؛ و خانه های شهر کوفه را به نهر فرات در کربلاء متصل می گردانند. (روضة الواعظین: ص ۲۶۳ ، تلخیص از سه حدیث می باشد) . مرحوم شیخ مفید رضوان الله تعالی علیه به نقل از مفصل بن عمر حکایت کند: روزی در محضر مبارک امام جعفر صادق علیه السلام بودم، از آن حضرت ضمن فرمایشاتی شنیدم که درباره جریان ظهور و خروج قائم آل محمد صلوات الله علیه چنین فرمود: موقعی که خداوند متعال حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را جهت ظهور و خروج اجازه دهد. حضرت در مکه معظمه بالای منبر می رود و مردم را به سوی خود دعوت می نماید و آن ها را به خداپرستی و معنویت راهنمایی می کند. و دستور می دهد بر این که جامعه باید در مسیر اجراء احکام و روش زندگی رسول خدا صلی الله علیه و آله حرکت نماید. در همین بین خداوند متعال جبرئیل علیه السلام را می فرستد و در محلی به نام حطیم نزد امام عصر صلوات الله علیه حضور می یابد و اظهار می دارد: برنامه ات چیست؟ و مردم را به چه چیزی دعوت می کنی؟ حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف برنامه و مسیر حرکت خود را با جبرئیل در میان می گذارد. پس از آن جبرئیل می گوید: من اَوَّل کسی هستم که با تو بیعت می کنم ؛ و سپس دست خود را در دست حضرت قرار می دهد. و سپس تعداد سیصد و سیزده نفر که از شهرهای مختلف جمع شده اند، با حضرت بیعت می کنند. بعد از آن ، حضرت در شهر مکه باقی خواهد ماند تا تعداد اصحاب و یارانش به ده هزار نفر برسد و پس از آن که تکمیل شد به سوی مدینه حرکت می نماید. (اعلام الوری طبرسی : ج ۲ ، ص ۲۸۸ ، روضة الواعظین : ص ۲۶۵) . پنجمین اختر ولایت حضرت باقرالعلوم علیه السلام ضمن يك سخن طولانی چنین اظهار فرمود: مهدی موعود علیه السلام همچون حضرت موسی علیه السلام با حالتی بین خوف و رجاء ظهور و خروج می نماید و چون وارد مکه معظمه گردد، لشکر سفیانی در بیابانی به نام بیداء در زمین فرو می رود و اثری از آن ها باقی نمی ماند.

امام زمان بین رکن و مقام، نماز به جا می آورد و قیام خود را با این کلمات شروع می نماید: ای مردمان! ما بر علیه کسانی که بر ما ظلم و تجاوز کردند و حق ما را غصب و چپاول کردند، طلب کمک می کنیم و یاری می جوئیم، من نسبت به آدم، نوح، ابراهیم و همه پیامبران اولویت دارم، من از تمامی افراد نسبت به کتاب خدا آشناتر هستم. امروز همه افراد را شاهد و گواه می گیرم که ما - اهل بیت رسالت - مظلوم و مطرود شده ایم، حق ما و شیعیان ما را غارت کرده اند و ماها را از دیار خود رانده اند؛ پس، از همه مسلمان ها یاری و کمک می خواهیم تا بر حق خود نائل آئیم. سپس امام باقر علیه السلام افزود: سیصد و چند نفر مرد و پنجاه نفر زن از نقاط مختلف، در مکه معظمه تجمع می کنند که هر کدام نسبت به دیگری تابع و متواضع خواهد بود. عهدنامه و سلاح و پرچم جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله همراه امام زمان سلام الله علیه است و منادی بین زمین و آسمان با نام آن حضرت، فریاد می زند و تمامی اهل زمین خواهند شنید، که حجّت خدا و قائم آل محمد ظهور و قیام کرده است. پس از آن به سوی مدینه و از آن جا به سمت کوفه حرکت می نماید و در کوفه مدّتی طولانی را سپری خواهد نمود. و چون حکومتش در کوفه مستقر گردد، تمامی انسان ها طبق احکام اسلام آزاد خواهند بود، و مشکلات اقتصادی تمام تهی دستان و درماندگان را حلّ خواهد نمود، و هرکس که به هر نوعی حقش غصب شده باشد، جبران می گردد. هرکس محکوم به اعدام گردد، خون بهای او را به خانواده اش می پردازند؛ و عدالت از هر جهت در جامعه حکم فرما خواهد شد. حضرت با خانواده اش در محلی به نام رحبه - که محلّ سکونت حضرت نوح علیه السلام بوده است - سکونت و منزل می گزینند. (تفسیر عیاشی: ج ۱، ص ۶۴ - ۶۶، ح ۱۷)

نصب حجرالا سود به دست امام زمان علیه السلام

قطب راوندی از جعفر بن محمد بن قولویه استاد شیخ مفید رحمه الله روایت کرده است که چون قرامطه اعنی اسماعیلیه ملاحظه کعبه را خراب کردند و حجرالا سود را به کوفه آورده در مسجد کوفه نصب کردند و در سال سیصد و سی و هفت که اوایل غیبت کبری بود خواستند که حجر را به کعبه برگردانند و در جای خود نصب کنند، من به امید ملاقات حضرت صاحب الا مر علیه السلام در آن سال اراده حج نمودم؛ زیرا که در احادیث

صحیحه وارد شده است که حجر را کسی به غیر معصوم و امام زمان نصب نمی کند چنانچه قبل از بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که سیلاب کعبه را خراب کرد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آن را نصب نمود، و در زمان حجاج که کعبه را بر سر عبدالله بن زبیر خراب کرد چون خواستند بسازند هرکه حجر را گذاشت لرزید و قرار نگرفت تا آنکه حضرت امام زین العابدین علیه السلام آن را به جای خود گذاشت و قرار گرفت . لہذا در آن سال متوجه حج شدم چون به بغداد رسیدم علت صعبی مرا عارض شد که بر جان خود ترسیدم و نتوانستم به حج بروم ، نایب خود گردانیدم مردی از شیعه را که او را ابن هشام می گفتند و عریضه ای به خدمت حضرت نوشتیم و سرش را مهر کردم و در آن عریضه سؤال کرده بودم که مدت عمر من چند سال خواهد بود و از این مرض عافیت خواهم یافت یا نه ؟ و ابن هشام را گفتم مقصود من آن است که این رقعہ را بدهی به دست کسی که حجر را به جای خود می گذارد و جوابش را بگیری و تو را از برای همین کار می فرستم . ابن هشام گفت که چون داخل مکه مشرفه شدم مبلغی به خدمه کعبه دادم که در وقت گذاشتن حجر مرا حمایت کنند که بتوانم درست ببینم که کی حجرا به جای خود می گذارد و ازدحام مردم مانع دیدن من نشود، چون خواستند حجر را به جای خود بگذارند خدمه مرا در میان گرفتند و حمایت من می نمود و من نظر می کردم هرکه حجر را می گذاشت حرکت می کرد و می لرزید و قرار نمی گرفت تا آنکه جوان خوشروی و خوشبوی و خوش موی گندم گونی پیدا شد و حجر را از دست ایشان گرفت و به جای خود نصب کرد و درست ایستاد و حرکت نکرد پس خروش از مردم برآمد و صدا بلند کردند و روانه شدند و از مسجد بیرون رفتند، من از عقب او به سرعت تمام روانه شدم و مردم را می شکافتم و از جانب راست و چپ دور می کردم و می دویدم و مردم گمان کردند که من دیوانه شده ام و چشمم را از او بر نمی داشتم که مبادا از نظر من غایب شود تا اینکه از میان مردم بیرون رفتم و در نهایت آهستگی و اطمینان می رفتم و من هرچند می دویدم به او نمی رسیدم و چون به جایی رسید که به غیر از من و او کسی نبود ایستاد و به سوی من ملتفت شد و فرمود: بده آنچه با خود داری ! رقعہ را به دستش دادم ، نگشود و فرمود: به او بگو بر تو خوفی نیست در این علت ، و عافیت می یابی و اجل محتوم تو بعد از سی سال دیگر خواهد بود، چون این حالت را مشاهده کردم و کلام معجز

نظامش را شنیدم خوف عظیمی بر من مستولی شد به حدی که حرکت نتوانستم کرد، چون این خبر به ابن قولویه رسید یقین او زیاده شد و در حیات بود تا سال سیصد و شصت و هفت از هجرت، در آن سال اندک آزاری هم رسید وصیت کرد و تهیه کفن و حنوط و ضروریات سفر آخرت را گرفت و اهتمام تمام در این امور می کرد و مردم به او می گفتند: آزار بسیار نداری این قدر تعجیل و اضطراب چرا می کنی؟ گفت: مولای من مرا وعده کرده است. پس در همان علت [مرض] به منازل رفیع بهشت انتقال نمود (الْحَقُّ اللَّهُ بِمَوَالِيهِ الْأَطْهَارِ فِي دَارِ الْقَرَارِ). (الخرائج راوندی ۴۷۵/۱)

از جمله تکالیف منتظران حضرت

از جمله تکالیف، دعا کردن است از برای حفظ وجود مبارک امام عصر علیه السلام از شرور شیاطین انس و جن و طلب تعجیل و نصرت و ظفر و غلبه بر کفار و ملحدین و منافین برای آن جناب که این نوعی است از اظهار بندگی و اظهار شوق و زیادتی محبت و دعا‌های وارده در این مقام بسیار است یکی دعایی است که از یونس بن عبدالرحمن مروی است که حضرت امام رضا علیه السلام امر می فرمودند به دعا کردن برای حضرت صاحب الا مر علیه السلام به این دعا: اللهم ادفع عن وليك و خليفتك و حجتك تا آخر و این دعا در (کتاب مفاتیح) در باب زیارت حضرت صاحب الا مر علیه السلام نقل شده است، و دیگر صلوات منسوبه به ابوالحسن ضراب اصفهانی است که آن هم در (مفاتیح) در آخر اعمال روز جمعه نقل شده است، و دیگر این دعای شریف است: (اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ (فلان بن فلان و به جای فلان بن فلان می گویی) الْحَجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُثَمِّتَهُ فِيهَا طَوِيلًا). مکرر می کنی این دعا را در شب بیست و سوم ماه رمضان در حالت ایستاده و نشسته و بر هر حالتی که باشی در تمام آن ماه و هر قسم که ممکن شود تو را و هر زمان که از دهرت حاضر شود می گویی بعد از تمجید حق تعالی و صلوات بر پیغمبر و آل او صلی الله علیه و آله و سلم این دعا را و دعا‌های دیگر نیز وارد شده که مقام نقلش نیست هرکه طالب است رجوع به (نجم ثاقب) کند. (نجم الثاقب ص ۷۵۷)

احادیثی گهربار از امام مهدی صاحب العصر و الزمان عجل الله تعالی فرجه

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : الَّذِي يَجِبُ عَلَيْكُمْ وَ لَكُمْ اَنْ تَقُولُوا: اِنَّا قُدُوَّةٌ وَ اِئِمَّةٌ وَ خُلَفَاءُ اللَّهِ فِي اَرْضِهِ، وَ اَمْنَاؤُهُ عَلَى خَلْقِهِ، وَ حُجَّجُهُ فِي بِلَادِهِ، نَعْرِفُ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ، وَ نَعْرِفُ تَأْوِيلَ الْكِتَابِ وَ فَضْلَ الْخُطَابِ. (تفسير عیاشی : ج ۱، ص ۱۶، بحارالانوار: ج ۸۹، ص ۹۶، ح ۵۸) بر شما واجب است و به سود شما خواهد بود که معتقد باشید بر این که ما اهل بیت رسالت ، محور و اساس امور، پیشوایان هدایت و خلیفه خداوند متعال در زمین هستیم . همچنین ما امین خداوند بر بندگان و حجت او در جامعه می باشیم ، حلال و حرام را می شناسیم ، تاویل و تفسیر آیات قرآن را عارف و آشنا هستیم .

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : اَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ، بِي يَدْفَعُ الْبَلَاءُ عَنْ أَهْلِي وَشِيعَتِي . (دعوات راوندی : ص ۲۰۷، ح ۵۶۳) من آخرین وصی پیغمبر خدا هستم به وسیله من بلاها و فتنه ها از آشنایان و شیعیانم دفع و برطرف خواهد شد.

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : اَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةٍ حَدِيثِنَا (احادیثنا)، فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ اَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ. (بحارالانوار: ج ۲، ص ۹۰، ح ۱۳، و ۵۳، ص ۱۸۱، س ۳، و ج ۷۵، ص ۳۸۰، ح ۱) جهت حل مشکلات در حوادث - امور سیاسی ، عبادی ، اقتصادی ، نظامی ، فرهنگی ، اجتماعی و... - به راویان حدیث و فقهاء مراجعه کنید که آن ها در زمان غیبت خلیفه و حجت من بر شما هستند و من حجت خداوند بر آن ها می باشم .

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : الْحَقُّ مَعَنَا، فَلَنْ يُوحِشَنَا مَنْ قَعَدَعَنَا، وَ نَحْنُ صَنَائِعُ رَبَّنَا، وَ الْخَلْقُ بَعْدُ صَنَائِعِنَا. (بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۷۸، ضمن ح ۹) حقایق و واقعیات با ما اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله می باشد و کناره گیری عده ای ، از ما هرگز سبب وحشت ما نخواهد شد، چرا که ما دست پروره های نیکوی پروردگار می باشیم ؛ و دیگر مخلوقین خداوند، دست پرورده های ما خواهند بود.

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : إِنَّ الْجَنَّةَ لَا حَمْلَ فِيهَا لِلنِّسَاءِ وَ لَا وَلَادَةَ، فَإِذَا اشْتَهَى مُؤْمِنٌ وَلَدًا خَلَقَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِغَيْرِ حَمْلٍ وَ لَا وَلَادَةٍ عَلَى الصُّورَةِ الَّتِي يُرِيدُ كَمَا خَلَقَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِبْرَةً. (بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۶۳، س ۱۶، ضمن ح ۴) هملنا بهشت جایگاهی است که در آن آبستن شدن و زایمان برای زنان نخواهد بود، پس هرگاه مؤمنی

آرزوی فرزند نماید، خداوند متعال بدون جریان حمل و زایمان، فرزند دلخواهش را به او می دهد همان طوری که حضرت آدم علیه السلام را آفرید.

قال الامام المهدي عجل الله فرجه: لا يُنَازِعُنَا مَوْضِعُهُ إِلَّا ظَالِمٌ آثِمٌ، وَ لَا يَدَّعِيهِ إِلَّا جَاحِدٌ كَافِرٌ. (بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۱۷۹، ضمن ح ۹) کسی با ما، در رابطه با مقام ولایت و امامت مشاجره و منازعه نمی کند مگر آن که ستمگر و معصیت کار باشد، همچنین کسی مدعی ولایت و خلافت نمی شود مگر کسی که منکر و کافر باشد.

قال الامام المهدي عجل الله فرجه: إِنَّ الْحَقَّ مَعَنَا وَ فِينَا، لَا يَقُولُ ذَلِكَ سِوَانَا إِلَّا كَذَّابٌ مُفْتَرٍ، وَ لَا يَدَّعِيهِ غَيْرُنَا إِلَّا ضَالٌّ غَوِيٌّ. (بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۱۹۱، ضمن ح ۱۹) حقیقت - در همه موارد و امور - با ما و در بین ما اهل بیت عصمت و طهارت خواهد بود و چنین سخنی را هر فردی غیر از ما بگوید دروغ گو و مفتری می باشد؛ و کسی غیر از ما آن را ادعا نمی کند مگر آن که گمراه باشد.

قال الامام المهدي عجل الله فرجه: اَبَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لِلْحَقِّ إِلَّا إِتْمَامًا وَ لِلْبَاطِلِ إِلَّا زَهُوقًا. (بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۱۹۳، ضمن ح ۲۱) همانا خداوند متعال، إباء و امتناع دارد نسبت به حق مگر آن که به اتمام و کمال برسد و باطل، نابود و مضمحل گردد.

قال الامام المهدي عجل الله فرجه: إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ لِاحِدٍ مِنْ آبَائِي إِلَّا وَقَدْ وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِطَاغُوتٍ زَمَانِهِ، وَ إِنِّي اءُخْرِجُ حِينَ اءُخْرِجُ وَ لَا بَيْعَةَ لِاحِدٍ مِنَ الطَّوَاعِيتِ فِي عُنُقِي. (الدَّزَّةُ الْبَاهِرَةُ: ص ۴۷، س ۱۷، بحار الانوار: ج ۵۶، ص ۱۸۱، س ۱۸) همانا پدران من (ائمه و اوصیاء علیهم السلام)، بیعت حاکم و طاغوت زمانشان، بر ذمه آن ها بود؛ ولی من در هنگامی ظهور و خروج نمایم که هیچ طاغوتی بر من منت و بیعتی نخواهد داشت.

قال الامام المهدي عجل الله فرجه: اءَنَا الَّذِي اءُخْرِجُ بِهَذَا السَّيْفِ فَاءَمْلًا الْاَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مُلِئْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا. (بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۱۷۹، س ۱۴، و ج ۵۵، ص ۴۱) من آن کسی هستم که در آخر زمان با این شمشیر - ذوالفقار - ظهور و خروج می کنم و زمین را پر از عدل و داد می نمایم همان گونه که پر از ظلم و جور شده است.

قال الامام المهدي عجل الله فرجه: اِتَّقُوا اللَّهَ وَ سَلِّمُوا لَنَا، وَ رُدُّوا الْاُمْرَ اِلَيْنَا، فَعَلَيْنَا الْاُضْدَارُ كَمَا كَانَ مِنَّا الْاِیْرَاءُ، وَ لَا تَحَاوُلُوا كَشْفَ مَا غُطِّي عَنْكُمْ. (اِکْمَالُ الدِّينِ: ج ۲، ص ۵۱۰، بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۱۹۱) از خدا بترسید و تسلیم ما باشید، و امور خود را به ما واگذار

کنید، چون وظیفه ما است که شما را بی نیاز و سیراب نمائیم همان طوری که ورود شما بر چشمه معرفت به وسیله ما می باشد؛ و سعی نمائید به دنبال کشف آنچه از شما پنهان شده است نباشید.

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : اءمّا اءموالكم فلا نقبلها الا لتطهروا، فمن شاء فليصل، و من شاء فليقطع. (إكمال الدين : ج ۲، ص ۴۸۴، بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۸۰) اموال - خمس و زکوات - شما را جهت تطهیر و تزکیه زندگی و ثروتان می پذیریم ، پس هر که مایل بود بپردازد، و هر که مایل نبود نپردازد.

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : انا نحيط علما بءنبائكم، و لا يعزب عنا شئ من اءخباركم. (احتجاج : ج ۲، ص ۴۹۷، بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۷۵) ما بر تمامی احوال و اخبار شما آگاه و آشنائیم و چیزی از شما نزد ما پنهان نیست .

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : من كانت له الى الله حاجة فليغتسل ليلة الجمعة بعد نصف الليل و ياءت مصلاة. (مستدرک الوسائل : ج ۲، ص ۵۱۷، ح ۲۶۰۶) هر که خواسته ای و حاجتی از پیشگاه خداوند متعال دارد بعد از نیمه شب جمعه غسل کند و جهت مناجات و راز و نیاز با خداوند، در جایگاه نمازش قرار گیرد.

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : يابن المهزيار! لولا استغفار بعضكم لبعض، لهلك من عليها، إلا خواص الشيعة التي تشبه اءقوالهم اءفعالهم. (مستدرک ج ۵، ص ۲۴۷، ح ۵۷۹۵) اگر طلب مغفرت و آمرزش بعضی شماها برای همدیگر نبود، هرکس روی زمین بود هلاک می گردید، مگر آن شیعیان خاصی که گفتارشان با کردارشان یکی است .

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : من فضله، اءن الرجل ينسى التسبيح و يدير السبحة، فيكتب له التسبيح. (بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۶۵، س ۸، ضمن ح ۴) از فضائل تربت حضرت سیدالشهداء آن است که چنانچه تسبیح تربت حضرت در دست گرفته شود ثواب تسبیح و ذکر را دارد، گرچه دعائی هم خوانده نشود.

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : فيمن اءفطر يوماً من شهر رمضان متعمداً بجماع محرّم أو طعم محرّم عليه: إن عليه ثلاث كفارات. (من لا يحضره الفقيه : ج ۲، ص ۷۴، ح ۳۱۷، وسائل الشيعة : ج ۱۰، ص ۵۵، ح ۱۲۸۱۶) کسی که روزه ماه رمضان را عمداً با

چیز یا کار حرامی افطار - و باطل - نماید، (غیر از قضای روزه نیز) هر سه نوع کفاره (۶۰ روزه، اطعام ۶۰ مسکین، آزادی یک بنده) بر او واجب می شود.

قال الامام المهدي عجل الله فرجه: اءلا اءبشرك في العطاس؟ قلت: بلى، فقال: هو اءمان من الموت ثلاثة اءيام. (إكمال الدين: ص ۴۳۰، ح ۵، وسائل الشیعة: ج ۱۲، ص ۸۹، ح ۱۵۷۱۷) نسیم خادم گوید: در حضور حضرت عطسه کردم، فرمود: می خواهی تو را بر فوائد عطسه بشارت دهم؟ عرض کردم: بلی. فرمود: عطسه، انسان را تا سه روز از مرگ نجات می بخشد.

قال الامام المهدي عجل الله فرجه: ملعون ملعون من سمانی فی محفل من الناس. (و قال علیه السلام: من سمانی فی مجمع من الناس فعليه لعنة الله. (وسائل الشیعة: ج ۱۶، ص ۲۴۲، ح ۱۲، بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۸۴، ح ۱۳ و ۱۴) ملعون و مغضوب است کسی که نام اصلی مرا در جائی بیان کند، و نیز فرمود: هر که نام اصلی مرا در جمع مردم بر زبان آورد، بر او لعنت و غضب خداوند می باشد.

قال الامام المهدي عجل الله فرجه: یعمل كل امری منكم ما یقرب به من محبتنا، ولیتجنب ما یدنيه من كراهیتنا و سخطنا، فان امرءا یتبعه فجاءة حین لا تنفعه توبة، و لا ینجیه من عقابنا ندم علی حوبة. (بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۷۶، س ۵، ضمن ح ۷، به نقل از احتجاج) هر يك از شما باید عملی را انجام دهد که سبب نزدیکی به ما و جذب محبت ما گردد؛ و باید دوری کند از کرداری که ما نسبت به آن، ناخوشایند و خشمناک می باشیم، پس چه بسا شخصی در لحظه ای توبه کند که دیگر به حال او سودی ندارد و نیز او را از عقاب و عذاب الهی نجات نمی بخشد.

قال الامام المهدي عجل الله فرجه: ان الأرض تصیح إلى الله عز و جل من بول الأغلف اءربعین صباحا. (وسائل الشیعة: ج ۲۱، ص ۴۴۲، ح ۲۷۵۳۴) زمین تا چهل روز از ادرار کسی که ختنه نشده است ناله می کند.

قال الامام المهدي عجل الله فرجه: سجدة الشکر من اءلزم السنن و اءوجبها. (وسائل الشیعة: ج ۶، ص ۴۹۰، ح ۳، بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۶۱، ضمن ح ۳) سجده شکر پس از هر نماز از بهترین و ضروری ترین سنتها است.

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : إِنِّي لَأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ. (الدَّرَّةُ الْبَاهِرَةُ : ص ۴۸، س ۳) به درستی که من سبب آسایش و امنیّت برای موجودات زمینی هستم ، همان طوری که ستاره ها برای اهل آسمان امان هستند.

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : قُلُوبُنَا أَوْعِيَةٌ لِمَشِيَّةِ اللَّهِ، فَإِذَا شَاءَ شِئْنَا. (بحارالانوار: ج ۵۲، ص ۵۱، س ۴، به نقل از غیبه نعمانی) قلوب ما ظرف هائی است برای مشیّت و اراده الهی ، پس هرگاه او بخواهد ما نیز می خواهیم .

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا، فَلَا فَاقَةَ بِنَا إِلَى غَيْرِهِ، وَالْحَقُّ مَعَنَا فَلَنْ يُوحِشَنَا مَنْ قَعَدَ عَنَّا. (بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۹۱، إكمال الدّین : ج ۲، ص ۵۱۱) خدا با ما است و نیازی به دیگران نداریم ؛ و حق با ما است و هر که از ما روی گرداند باکی نداریم . قال الامام المهدي عجل الله فرجه : مَا أَرْغَمَ أَعْنَفَ الشَّيْطَانِ بِشَيْءٍ مِثْلَ الصَّلَاةِ. (بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۸۲، ضمن ح ۱۱) هیچ چیزی و عملی همانند نماز، بینی شیطان را به خاك ذلّت نمی مالد و او را ذلیل نمی کند.

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : لَا يَحِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يَتَصَرَّفَ فِي مَالِ غَيْرِهِ بِغَيْرِ إِذْنِهِ. (بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۸۳، ضمن ح ۱۱) برای هیچکس جائز نیست که در اموال و چیزهای دیگران تصرف نماید مگر با اذن و اجازه صاحب و مالک آن .

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : فَضْلُ الدُّعَاءِ وَ التَّسْبِيحِ بَعْدَ الْفَرَائِضِ عَلَى الدُّعَاءِ بِعَقِيبِ النَّوَافِلِ كَفَضْلِ الْفَرَائِضِ عَلَى النَّوَافِلِ. (بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۶۱، ضمن ح ۳) فضیلت دعا و تسبیح بعد از نمازهای واجب نسبت به بعد از نمازهای مستحبی همانند فضیلت نماز واجب بر نماز مستحب می باشد.

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : أَفْضَلُ أَوْقَاتِهَا صَدْرُ النَّهَارِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ. (بحارالانوار: ج ۵۶، ص ۱۶۸، ضمن ح ۴) (برای انجام نماز جعفر طیار) بهترین و با فضیلت ترین اوقات پیش از ظهر روز جمعه خواهد بود.

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَخَّرَ الْغَدَاةَ إِلَى أَنْ تَنْقَضِيَ النُّجُومُ. (بحارالانوار: ج ۵۵، ص ۱۶ و ضمن ح ۱۳، و ص ۸۶، ص ۶۰، ح ۲۰) ملعون و نفرین شده است آن کسی که نماز صبح را عمدا تا آخر بیندازد تا موقعی که ستارگان ناپدید شوند.

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : إِنَّ اللَّهَ قَنَعَنَا بِعَوَائِدِ إِحْسَانِهِ وَفَوَائِدِ إِمْتِنَانِهِ. (بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۳۸، ضمن ح ۲۸) همانا خداوند متعال ، ما اهل بیت را به وسیله احسان و نعمت هایش قانع و خودکفا گردانده است .

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : إِنَّهُ لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ بَيْنَ أَحَدٍ قَرَابَةً، وَ مَنْ أَعْتَكِرَنِي فَلَيْسَ مِنِّي ، وَ سَبِيلُهُ سَبِيلُ ابْنِ نُوحٍ. (بحار الانوار: ج ۵۰، ص ۲۲۷، ح ۱، به نقل از احتجاج) بین خداوند و هیچ يك از بندگان ، خویشاوندی وجود ندارد - و برای هرکس به اندازه اعمال و نیات او پاداش داده می شود - هرکس مرا انکار نماید از (شیعیان و دوستان) ما نیست و سرنوشت او همچون فرزند حضرت نوح خواهد بود.

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : اءَمَا تَعْلَمُونَ اَنَّ الْأَرْضَ لَا تَحُلُو مِنْ حُجَّةٍ إِلَّا ظَاهِرًا وَإِمَّا مَعْمُورًا. (بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۱۹۱، س ۵، ضمن ح ۱۹) آگاه و متوجه باشید بر این که در هیچ حالتی ، زمین خالی از حجت خداوند نخواهد بود، یا به طور ظاهر و آشکار و یا به طور مخفی و پنهان .

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : إِذَا أَدْنَى اللَّهُ لَنَا فِي الْقَوْلِ ظَهَرَ الْحَقُّ، وَ اضْمَحَلَّ الْبَاطِلُ، وَ انْخَسَرَ عَنْكُمْ. (بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۱۹۶، س ۱۲، ضمن ح ۲۱) چنانچه خداوند متعال اجازه سخن و بیان حقایق را به ما بدهد، حقایق آشکار می گردد و باطل نابود می شود و خفقان و مشکلات برطرف خواهد شد.

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : وَ اءَمَّا وَجْهُ الْأُنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَالْأُنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَهَا عَنِ الْبُصَارِ السَّحَابُ. (بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۱۸۱، س ۲۱، ضمن ح ۱۰) چگونگی بهره گیری و استفاده از من در دوران غیبت همانند انتفاع از خورشید است در آن موقعی که به وسیله ابرها از چشم افراد ناپدید شود.

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : وَاجْعَلُوا قَصْدَكُمْ إِلَيْنَا بِالْمَوَدَّةِ عَلَى السُّنَّةِ الْوَاضِحَةِ، فَقَدْ نَصَحْتُ لَكُمْ، وَ اللَّهُ شَاهِدٌ عَلَيَّ وَ عَلَيْنَكُمْ. (بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۱۷۹، س ۱۶، ضمن ح ۹) هدف و قصد خویش را نسبت به محبت و دوستی ما - اهل بیت عصمت و طهارت - بر مبنای عمل به سنت و اجراء احکام الهی قرار دهید، پس همانا که موعظها و سفارشات لازم را نموده ام ؛ و خداوند متعال نسبت به همه ما و شما گواه می باشد.

قال الامام المهدي عجل الله فرجه : اءمّا ظُهُورُ الْفَرَجِ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ، وَ كَذَبَ الْوَقَّاثُونَ .
(بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۸۱، س ۱، ضمن ح ۱۰) زمان ظهور من مربوط به اراده خداوند
متعال می باشد و هرکس زمان آن را معین و معرفی کند دروغ گفته است .
قال الامام المهدي عجل الله فرجه : اءَكْثَرُوَالِدُعَاءَ بَتَّعْجِيلِ الْفَرَجِ، فَإِنَّ ذَلِكَ فَرْجُكُمْ .(بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۱۸۱، س ۲۳، ضمن ح ۱۰) برای تعجیل ظهور من - درهرموقعیت
مناسبی - بسیار دعا کنید که در آن فرج و حل مشکلات شما خواهد بود.
دَفَعَ إِلَيَّ دَفْتَرًا فِيهِ دُعَاءُ الْفَرَجِ وَ صَلَاةٌ عَلَيْهِ، فَقَالَ : فِيْهَذَا فَادْعُ .(إكمال الدين شيخ صدوق :
ص ۴۴۳، ح ۱۷، بحارالانوار: ج ۵۲، ص ۳۱، ضمن ح ۲۷) یکی از مؤمنین به نام
ابومحمد، حسن بن وجناء گوید: زیر ناودان طلا در حرم خانه خدا بودم که حضرت ولی
عصر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را دیدم ، دفتری را به من عنایت نمود که
در آن دعای فرج و صلوات بر آن حضرت بود. سپس فرمود: به وسیله این نوشته ها بخوان
و برای ظهور و فرج من دعا کن و بر من درود و تحیت بفرست . و آن دعا بر حسب
مشهور چنین نقل شده است : (اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ «الْحُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ
الْعُسْكِرِيِّ» صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ، وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَاعِدًا وَ
نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ اءَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا). (کافی : ج ۴، ص ۱۶۲،
ح ۴، فلاح السائل سیدبن طاووس : ص ۴۶)
امام حسین علیه السلام : مِنَّا اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا: أُولُهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ،
وَأَخْرَجُهُمُ النَّاسُ مِنْ وُلْدِي، وَهُوَ الْإِمَامُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ. يُحْيِي اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا، وَيُظْهِرُ
بِهِ دِينَ الْحَقِّ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ، وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. لَهُ غَيْبَةٌ يَزِيدُ فِيهَا أَقْوَامٌ، وَيُثَبِّتُ فِيهَا عَلَى
الدِّينِ آخِرُونَ .(كمال الدين وتمام النعمة، ص ۳۱۷) از ما هستند دوازده امام هدایت شده:
نخستینشان امیر مؤمنان علی بن ابی طالب، و آخرینشان نهمین نفر از فرزندان من است.
او امام قائم به حق است. خداوند زمین را - پس از مردنش - به توسط او حیات بخشد
(اشاره است به آیه... یحیی الارض بعد موتها... روم آیه ۱۹)، و دین حق را به دست او بر
تمامی ادیان، چیرگی دهد؛ هرچند که مشرکان را خوش نیاید. (اشاره است به آیه... و دین
الحق لیظهره علی الدین کلّه ولو کره المشرکون، توبه ۳۳ و صف ۹) او را غیبتی است که
عده ای (از مسلمانان) در آن زمان، مرتد شوند، و دسته ای در دینشان ثابت قدم بمانند.

مدایح حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه

امشب که شب خجسته ای است بهر من و ما

امشب که شب خجسته ای است بهر من و ما - پر از گل یاس و لاله شد دامن ما
میلاد ولّی عصر و حجّت یزدان است - شد خاک به سرعدوی اهریمن ما

امشب که بود شاد دل آل علی

امشب که بود شاد دل آل علی - هم آل علی شاد ز احوال علی
شاد است دل آل محمد زیرا - آمد به جهان کعبه ی آمال علی

برپا، همه، حجّت خدا میآید

برپا، همه، حجّت خدا میآید - مردی به حریم کبریا میآید
درگلشن عسکری گلی روئیده - بوی گل نرگس ازفضا میآید

روشن دل ما همه ز نور مهدی است

روشن دل ما همه ز نور مهدی است - درسر همه را درک حضور مهدی است
عیدی همه دراین شب با برکت - تعجیل خدای در ظهور مهدی است

نظری کن تو به ما تا دل ما شاد شود

نظری کن تو به ما تا دل ما شاد شود - گذری کن دل ماها ز غم آزاد شود
این جهان متمنّ ز غمت ویران است - با ظهور تو جهانی همه آباد شود

نرجس که جمال حق در آئینه ی اوست

نرجس که جمال حق در آئینه ی اوست - یک راز نهان درون آن سینه ی اوست
آن راز نهان ولادت مهدی ماست - میلاد حق آرزوی دیرینه ی اوست

نرجس دل حق پرست دارد

نرجس دل حق پرست دارد - با عصمت حق نشست دارد
خورشید زمین و آسمان را - در فجر بروی دست دارد

امروز بهار لاله ی اسلام است

امروز بهار لاله ی اسلام است - امروز که بهترین همه ی ایام است
میلاد سعید حجة الله بود - زانروست که شیرین همه را در کام است

روشن شد از این عید جها ن اسلام

روشن شد از این عید جها ن اسلام - امروز شده است بهترین ایام
در گلشن زهرا بشکفته است گلی - او هست دوازدهم امام و هم مهدی نام

عالم شده است پرنور مهدی

عالم شده است پرنور مهدی - خواهیم زحق رویم در حضور مهدی
آما ده شوید چون در این نزدیکی - از حق برسد روز ظهور مهدی

ای حجت حق نور خدا مهدی جان

ای حجت حق نور خدا مهدی جان - برملت ما تورهنما مهدی جان
هرمنتظری به صبح و شب میگوید - ای یاور دین تویی کجا مهدی جان

ای نورتو نور مشرقین ادرکنا

ای نورتو نور مشرقین ادرکنا - ای یاور امّ الحسین ادرکنا
باز آی و نما تو قبر زهرا برما - وی منتقم خون حسین ادرکنا

ای سوی تو عالم نگران مهدی جان

ای سوی تو عالم نگران مهدی جان - شد دوری تو بما گران مهدی جان
طغیان وستم گذشته از حد اکنون - ای ریشه کن ستمگران مهدی جان

ای دوست غمت به جان و دل ماست

ای دوست غمت به جان و دل ماست - یاد تو به هر مجلس و هم محفل ماست
ذکر تو به لب صبح و شب و بعد نماز - اندر همه حال و مسجد و منزل ماست

یا رب برسان اما م مارا توکنون

یا رب برسان اما م مارا توکنون - آن صاحب انتقام ما را توکنون
یارب برسان صبح و شب و ظهرو عشاء - بر حضرت او سلام ما را توکنون

ای راحت جان و قلب احمد توبیا

ای راحت جان و قلب احمد توبیا - ای گشته زحق میرمؤید توبیا
در گلشن دین نیست گلی زیباتر - ارتو گل سر سبز محمد توبیا

ای وارث تاج انما زود بیا

ای وارث تاج انما زود بیا - وای مظهر صلح و هم صفا زود بیا

تاریشه کن از زمین شود ظلم و فساد - ای تیغ عدالت خدا زود بیا

ای معزالا ولیا یابن الحسن اندر کجائی

ای معزالا ولیا یابن الحسن اندر کجائی - دوستان منتظر هر روز و شب کز در درائی

ای مذلّ دشمنان دین حق یا حجّة الله - یاوران جان بکف در انتظارت کی بیائی

دوبیتیها سروده باقری پور در کتاب مجموعه اشعار باقری

مهدی آل محمد - آمده دنیا خوش آمد

مهدی آل محمد - آمده دنیا خوش آمد

حجّة بن العسکری و - زاده زهرا خوش آمد

چشم نرگس گشته روشن - اینک از میلاد مهدی

باغ جنت گشته گلشن - اینک از میلاد مهدی

نیمه شد چون ماه شعبان - روز وصل عاشقان شد

روز میلاد سعید - مهدی صاحب زمان شد

مهدی آمد مهدی آمد - عاشقان دلشاد باشید

عاشقان مهدویت - خرم و آزاد باشید

عسکری گوید بشارت - ای حکیمه مهدی آمد

آنکه دنیا را نماید - سوی قرآن بیهی آمد

شاد و خندان گشته نرجس - چونکه زاده ماه تابان

سامرادر جشن و شادی - عسکری شد شاد و خندان

مهدویون مهدی آمد - مُصلح آخر زمان شد

آنکه اندر انتظارش - کلّ ادیان جهان شد

البشاره البشاره - مهدی موعود آمد

نیمه شد چون ماه شعبان - مولدی مسعود آمد

قائم آل محمد - آنکه در پرده نهان شد

باقری در انتظارش - با تمام شیعیان شد

سروده شده در مکه مکرمه میلاد حضرت مهدی عجل الله فرجه ۹۱/۴/۱۴

ای امام عسرو ای والعصرما

ای امام عسرو ای والعصرما - من زجان و دل سلامت میکنم
 آمدم درمکه تا بینم تورا - من زعمق دل صدايت میکنم
 درکنار کعبه گر بینم تورا - جان ناقابل فدايت میکنم
 بینمت گر بین آن رکن و مقام - خوشتن را خاک پایت میکنم
 من بدنبال تو گردم در حطیم - از حطیم دل ندایت میکنم
 من بینم گرتورا در مستجار - با زبان و دل دعايت میکنم
 درصفا بینم تورا ای با صفا - من صفا از آن صفایت میکنم
 لحظه ای بینم کنار کعبه گر - قامتت را من قیامت میکنم
 بشنوم من گرانا المهدی ز تو - جان فدای آن لقایت میکنم
 این سر من بر کف پای توباد - طوطیا آن خاک پایت میکنم
 گرشوم از جمله سربازان تو - جان فدایی در قفایت میکنم
 گر همه باشند از یاران تو - من غلامی بر غلامت میکنم
 نیمه شعبان به شهر مکه ام - با قلم مدح و ثنایت میکنم
 باقری ام من به جمع زائرین - جان فدای آن لقایت میکنم
 سروده شده درمکه مکرمه نیمه شعبان ۹۱/۴/۱۵

عید امامت بر شما بادا مبارك

عید امامت بر شما بادا مبارك - بر مصطفی وحیدر و زهرا مبارك
 مهدی امام خلق عالم گشته امروز - بر انبیا و اولیا بادا مبارك
 بر قامت مهدی ردای رهبری شد - درهمچه روزی جانشین عسکری شد
 خوشحال از آن هرمؤمن و هر شیعه باشد - تیری به چشم هر حسود و کافری شد
 مهدی امام مسلمین گردیده امروز - بر باطل و بطلان کنون حق گشته پیروز
 خوشحال و شاد از آن علی و مصطفی شد - شد دشمنان ابتر زهراسیه روز
 بر قامت مهدی ردائی از امامت - پوشیده شد هست آن ردائی تا قیامت
 ناراحت از آن معتمد گردید و جعفر - خوشحال و شاد از این امامت گشته امت
 آن خالق عالم به غیب و الشَّهاده - تاج امامت بر سر مهدی نهاده

اَنَا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةَ حَقِّ سِرُودِهِ - بر غیر مهدی این کلاهی بس گشاده
 ماه ربیع الاول و روز نهم شد - اعلانی از حق بر خلائق بس مهم شد
 کامروز شد مهدی امام عصر و دوران - این حکم و دستوری بخلق از ربکم شد
 ختم الوصیین حضرت مهدی ما شد - اوجانشین انبیا و اولیاشد
 ای باقری اوجانشین بر عسکری شد - جشنی بپا در جنت و عرش عُلا شد

یوسف زهرا مهدی یا مهدی

یوسف زهرا مهدی یا مهدی - دلبر دلها مهدی یا مهدی
 سید و مولا مهدی یا مهدی - رهبر و مولا مهدی یا مهدی
 مهدی یا مهدی، مهدی یا مهدی - مهدی یا مهدی، مهدی یا مهدی
 یوسف زهرا توئی تو آقا - دلبر دلها توئی تو آقا
 سید و مولا توئی تو آقا - راه توّلا توئی تو آقا
 مهدی یا مهدی، مهدی یا مهدی - مهدی یا مهدی، مهدی یا مهدی
 روح منی تو یا حجة الله - جان منی تو یا حجة الله
 عشق منی تو یا حجة الله - جان منی تو یا حجة الله
 مهدی یا مهدی، مهدی یا مهدی - مهدی یا مهدی، مهدی یا مهدی
 بیا کنارم یوسف زهرا - کسی ندارم یوسف زهرا
 چه بی قرارم یوسف زهرا - توئی نگارم یوسف زهرا
 مهدی یا مهدی، مهدی یا مهدی - مهدی یا مهدی، مهدی یا مهدی
 جلوه طاها بقیة الله - عزیز زهرا بقیة الله
 تو عطر گلها بقیة الله - بیا ز صحرای بقیة الله
 مهدی یا مهدی، مهدی یا مهدی - مهدی یا مهدی، مهدی یا مهدی
 توئی امام و امیر دلها - توئی شقایق تو عطر گلها
 عصاره این جهان خلقت - توئی چو یوسف عزیز زهرا
 مهدی یا مهدی، مهدی یا مهدی - مهدی یا مهدی، مهدی یا مهدی
 بیا تو بیرون زابر غیبت - فرج بیا و ز بعد شدّت
 به باقری و جهان تشنه - دمی ببار ای سحاب رحمت

مهدی یا مهدی، مهدی یا مهدی - مهدی یا مهدی، مهدی یا مهدی
مهدی یا مهدی، مهدی یا مهدی - مهدی یا مهدی، مهدی یا مهدی

بیا بیا تو ای امید شیعیان

بیا بیا تو ای امید شیعیان - بیابیا تو ای امید انس و جان
ای حجت خدا الغوث و العجل - بیا بیا بیا یا صاحب الزمان
یا صاحب الزمان، یا صاحب الزمان - یا صاحب الزمان، یا صاحب الزمان
بیا تو در حرم اقامه کن نماز - چو خود نبی بیا بگو اذان
توبرکش از نیام چوشاه لا فتی - تو تیغ ذوالفقار یدالله زمان
یا صاحب الزمان، یا صاحب الزمان - یا صاحب الزمان، یا صاحب الزمان
بیا بما نما توقیر مادرت - کجاست قبر او تو آگهی از آن
بگیر انتقام ز دشمنان دین - زشمر و حرمله سنان این زمان
یا صاحب الزمان، یا صاحب الزمان - یا صاحب الزمان، یا صاحب الزمان
بیا که باقری نهاده جان بکف - زبهریاری ات کند نثار جان
برای یاری ات این خیل منتظر - آماده جهاد تمام شیعیان
یا صاحب الزمان، یا صاحب الزمان - یا صاحب الزمان، یا صاحب الزمان

کی میشود من بشنوم آقا صدایت

کی میشود من بشنوم آقا صدایت - گوئی انا المهدی شود برپا قیامت
کی میشود من در رکابت جا بگیرم - بینم کنار کعبه آن روی چو ماهت
کی میشود در مسجد و در حال احرام - بینم تو در حال طوافی و عبادت
آقا بیا یا بن الحسن دورت بگردم - این جان نا قابل نما یم من فدایت
این دیدگان ما کجا دیدار رویت - امّا بیا یک لحظه کن بر ما عنایت
یک لحظه ای بر ما نما آن روی چون ماه - من رونمائی میدهم جان را برایت
بنما قیام ای قائم آل محمد (ص) - قد قامت تو میکند برپا قیامت
الله اکبر گوی و برپا کن نمازی - اندر کنار کعبه کن برپا جماعت
پشت سرت عیسی و یارانش ببینم - خیل ملائک صف به صف اندر عبادت
من هم نمازی با تو ای مهدی بخوانم - گردد نصیبم باقری گر این سعادت

کوکب است اینکه ز دامان سحر میریزد

کوکب است اینکه ز دامان سحر میریزد - یا که در مقدم تو سکه زد می ریزد
 چونکه از راه رسد موکب فرخنده تو - در رخت آنچه فلک داشت گهر می ریزد
 آورد باد صبا مژده که تو میآیی - زین جهت گل به همه راهگذر می ریزد
 کن شتاب ای شه والا پی تعمیر جهان - که ز دیوار و درش فتنه و شر می ریزد
 لشکر حسن تو نازم که دل هر بشری - پیش مژگان سیاه تو سپر می ریزد
 هر که جز عشق تو مهر دگری بر گیرد - هستی خویش به سیلاب خطر میریزد
 مصلح و منتظر و حجت و مهدی قائم - آنکه از قامت او شوکت و فر می ریزد
 نور زهرا است کز او دیده نرگس روشن - شاخ طوبی است که بر خاک ثمر می ریزد
 دگرا تلخی دوران نکند شکوه حسان - تاز شیرین لب دلدارش کر میریزد
 نغمه های پیروزی ص ۲۳۲: حسان

مژده یا فاطمه آمد مهدی دین

مژده یا فاطمه آمد مهدی دین - چشمت بادا روشن از فرزندی چنین
 انهار لطف حق هر سو روان شده - از دهم عیسوی عالم جوان شده
 از نور مهدی روشن جهان شده - مهدی که تابش نور حق از جبین
 مرحبا مرحبا بر نرگس و گلش - طفلی کز کودکی پیدا تکاملش
 دلبسته فاطمه بر موی سنبلیش - همچو مه صورت آن یار نازنین
 در نیمه شعبان جشن عدالت ایست - روح عدالت را روز ولادت است
 حجه ابن الحسن صاحب ولایت است - مظهر قدرت است بر رب العالمین

ای دل بشارت می دهم خوش روزگاری می رسد

ای دل بشارت میدهم خوش روزگاری میرسد - یادردوغم طی میشود، یا شهر یاری می رسد
 گر کارگردان جهان، باشد خدای مهربان - این کشتی توفان زده هم بر کناری می رسد
 اندیشه از سرما مکن سر می شود دوران وی - شب را سحر باشد ز پی، آخر بهاری می رسد
 ای منتظر غمگین مشوقدري تحمل بیشتر - گردی به پاشد در آفاق، گویی سواری می رسد
 یارِ همایون منظرم آخردر آید از درم - امید خوش می پرورم زین نخل باری می رسد
 کی بوده است و کی شود ملک غزل بی حکمران - هر دوره آن را خواهی با شهر یاری می رسد

«مفتون» منال از یار خود گریه تو گاهی تلخ شد - کز گل بدان لطف و صفا که نیش خاری می رسد

مفتون امینی

مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید

مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید - که از انفاس خوشش بوی کسی می آید
از غم و درد مکن ناله و فریاد که دوش - زده ام فالی و فریاد رسی می آید
ز آتش وادی ایمن نه منم خرم و بس - موسی اینجا باید قبسی می آید
هیچکس نیست که درکوی تواش کاری نیست - هر کس اینجا بامید هوسی می آید
کس ندانست که منزلگه مقصود کجاست - اینقدر هست که بانگ جرسی می آید
خبر بلبل این باغ می رسید که من - ناله میشنوم کز قفسی می آید
دوسترا گر سر پرسیدن بیمار غم است - گو بیا خوش که هنوزش نفسی می آید
یار دارد سر صید دل حافظ یاران - شاهبازی بشکار مگسی می آید.

ای عاشقان ، ای عاشقان ، جان می رسد ، جان می رسد

ای عاشقان، ای عاشقان، جان می رسد، جان می رسد - مهری درخشان میدمد، ماهی فروزان می رسد
آید نوای کاروان، برگوش جان کان دل ستان - تادل ستاند زین و آن ، اینک شتابان می رسد
رخسار ماهش را ببین، زلف سیاهش را ببین - برق نگاهش را ببین، یوسف به کنعان می رسد
ساقی ببخشا جام را ، از باده پر کن کام را - گو باز این پیغام را ، پیمانانه گردان می رسد
رونق فزای باغ ها ، لطف و صفای راغ ها - بر قلب عاشق ، داغ ها ، زیبا گلستان می رسد
بر درگهش کن بندگی، خواهی اگر پابندگی - کان رهنمای زندگی، و آن مهد عرفان می رسد
مهر سحر ، ماه صفا ، بحر گهر ، گنج وفا - آینه یزدانما ، خورشید ایمان می رسد
یار موافق می رسد ، دلدار صادق می رسد - قرآن ناطق می رسد ، محبوب یزدان می رسد
کاخ وفا ، قائم از او ، مهر و صفا دائم از او - غرق طرب صائم از او ، جان می رسد جان می رسد

ره دین بیاب از خرد چون سزاست

ره دین بیاب از خرد چون سزاست - که گیتی بدین ایستادست راست
از این پس نباشد پیامبر دگر - به آخر زمان (مهدی) آید به در
بگوید خط و نامه کردگار - کند دین پیغمبری آشکار
بدارد جهان بر یکی دین پاک - بر آرد ز دجال و خیلش هلاک

رسد از آسمان هر پیمبر فراز - شوند از پس مهدی اندر نماز

اسدی طوسی

عمریست که سرگشته و حیران توهستم

عمریست که سرگشته و حیران توهستم - آری ز همان روز ازل عهد ببستم
 عهدی که همه زندگیم در گرو اوست - گرزنده ام و یک نفسی هست از اینرودست
 تیرت به هدف خورد شدم عاشق رویت - بیخود ز خودم گشتم و مدهوش زبویت
 من عاشق روی تو ام ای یوسف زهرا - این نامه سربازی من را تو کن امضا
 جانم بلب آمد بدلم باز نظر کن - از راه کویری دلم باز گذر کن
 غیر تو دگر در دو جهان هیچ نخواهم - محتاج نگاه تو بود قلب سیاهم
 طالب دل خود را به سر زلف تو بسته - از دوری تو قامت او سخت شکسته
 شعر از حاج عبدالرضا هلالی

افسوس که عمری پی اغیار دویدیم

افسوس که عمری پی اغیار دویدیم - از یار بماندیم و به مقصد نرسیدیم
 سرمایه ز کف رفت و تجارت ننمودیم - جز حسرت و اندوه متاعی نخریدیم
 پس سعی نمودیم که ببینیم رخ دوست - جانها به لب آمد، رخ دلدار ندیدیم
 ما تشنه لب اندر لب دریا متحیر - آبی به جز از خون دل خود نچشیدیم
 ای بسته به زنجیر تو دل های محبان - رحمی که در این بادیه بس رنج کشیدیم
 چندان که به یاد تو شب و روز نشستیم - از شام فراق تو چو سحر گه ندیدیم
 ای حجت حق پرده ز رخسار برافکن - کز هجر تو ما پیرهن صبر دریدیم
 ما چشم به راهیم به هر شام و سحرگاه - در راه تو از غیر خیال تو رهیدیم
 ای دست خدا دست برآور که ز دشمن - بس ظلم بدیدیم و بسی طعنه شنیدیم
 شمشیر کجّت، راست کند قامت دین را - هم قامت ما را که ز هجر تو خمیدیم

فهرست کتاب

صفحه عنوان

۱	خلاصه حالات چهاردهمین معصوم : دوازدهمین اختر امامت
۳	ولادت با سعادت حضرت و احوال والده ماجده ایشان
۱۴	نام ، القاب ، کنیه ها و شمایل امام زمان عجل الله تعالی فرجه
۱۶	اخلاق و فضایل حضرت ولی عصر عجل الله فرجه
۱۸	لقب القائم برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه
۲۴	جواب چهل مسئله مشکل از کودکی خردسال
۲۵	تشخیص حرام و حلال برای کودکی خردسال
۲۷	فقط حجت بر حجت نماز می خواند
۲۸	اطلاعیه ای بر غیبت کبرای امام عصر عجل الله فرجه
۲۹	او را نخواهید دید
۳۰	ظهور از پشت پرده با خصوصیات
۳۱	علائم و نشانه های قبل از ظهور نور
۳۳	حوادث ظهور و خروج نور
۳۴	همچون شمایل جدش ظاهر می شود
۳۵	ظهور نور در مدینه و اعدام دو جنایت کار
۳۷	تهیه آذوقه لشکر امام زمان (عج)
۳۸	خلیفه تمام انبیاء و ائمه در شهر کوفه
۳۹	ده هزار نیرو در مقابل میلیاردها
۴۰	شهرسازی و تخریب و گندی حرکت اءفلاك
۴۱	اولین برنامه عملی پس از ظهور و قیام
۴۳	نصب حجرالا سود به دست امام زمان علیه السلام
۴۶	احادیثی گهربار از امام مهدی صاحب العصر و الزمان عجل الله تعالی فرجه
۵۳	مدایح حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه

کتابهای الکترونیکی ما :

در اینترنت ، وب سایت ما «بنام هدایت hedayat.tv» در فهرست عناوین مطالب - در عنوان اشعار باقری اشعار و سروده های ما موجود است ، و در عنوان کتاب موبایل باقری ، کتابهای الکترونیکی، موبایلی ما با عناوین زیر موجود است:

همراه زائرین عتبات عالیات «چاپ اول آن به اتمام رسیده»، قرآن مجید ۱۱۴ سوره ای ، قرآن مجید سی جزئی برای ماه مبارک رمضان ، نهج الفصاحه ، نهج البلاغه ، حلیة المتقین ، خصال شیخ صدوق ، ریاحین الشریعه ، ثواب الاعمال ، امالی شیخ صدوق و شیخ مفید ، تحریر الوسیله ، کلیات مفاتیح الجنان «با انضمام باقیات الصالحات» ، مقتل خوانی «حاوی کتب مقاتل ابی مخنف - سیدبن طاووس - مقرر - روضة الشهداء - مقتل امام حسین» ، منازل الآخره ، نزهة النواظر ، چهارده معصوم علیهم السلام به ترتیب نام از معصوم اول تا معصوم چهاردهم ، حضرت زینب «س» ، حضرت عباس «ع» ، فاطمه ام البنین «س» ، فاطمه معصومه «س» ، رساله توضیح المسائل بیست و پنج مرجع هم جدا جدا و هم ۲۵ رساله بصورت یکجا ، ذکر خدا ، روضه خوانی ، محرم وصفر ، پنجاه روز عزاداری از اول محرم تا اربعین ، پیام رهبری «پیامهای نوروزی و سخنرانیهای اول هر سال از سال ۶۹ تا ۹۴» ، کشکول باقری حاوی ۵۰۰۰ صفحه مطالب گوناگون ، امام روح الله «زندگینامه و مقالات در رابطه با حضرت امام خمینی ره» ، منتخب قوانین «قوانین کاربردی دادگاهها» ، منتخب دادخواستها «نمونه دادخواستها و شکوائیه ها» ، آداب معنوی ، گنجینه معنوی ، سیاحت غرب ، احادیث فارسی ، معجم احادیث ، صدچهل حدیث ، احکام نماز ، احکام روزه ، بهجت عارفان «زندگینامه آیه الله بهجت ره» ، فضائل و رذائل «درباب اخلاق» ، هزار عنوان «برای منبر و سخنرانی» ، جهاد و شهادت ، راهیان نور ، شهدا و جبهه ها ، زنان نمونه ، ختومات هُدا ، ماه رجب «اعمال ماه رجب» ، ماه شعبان «اعمال ماه شعبان» ، ماه رمضان «اعمال ماه رمضان» ، همراه زائرین مکه و مدینه ، همراه زائرین سوریه ، همراه زائرین مشهد الرضا «ع» ، سه هزار داستان ، و چندین کتاب موبایل دیگر... به علاوه ده ها عنوان مقاله که در سایت ما موجود است

تهیه ، تنظیم ، ویرایش ، تنظیم صفحات ، فهرستنگاری ، طرح جلد و چاپ کتاب ، توسط مؤلف حجة الاسلام سید محمد باقری پور در مؤسسه فرهنگی هدایت مشهد مقدس انجام شده است .

سید محمد باقری پور : مدیر سایت هدایت : «www.hedayat.tv»

ایمیل : «hodarayaneh@gmail.com»

تلفن همراه : «۰۹۱۵۵۸۱۹۲۳۰»

کتابهای چاپ شده از تهیه کننده این کتاب:

مبانی اسلام «شرح حدیث بُنِی الْإِسْلَامُ عَلَی خَمْسٍ از امام باقر علیه السلام»، بانوان و جامعه امروز «شرح حدیث کَیْفَ بِکُمْ إِذَا فَسَدَتْ نِسَاؤُکُمْ»، قصّه های قرآنی «شرح حال مختصر پیامبران در آیات قرآنی»، مردان و زنان با فضیلت «شرح آیه ۳۵ سوره احزاب»، هفت پایه اسلام «شرح حدیث شریف قَوَاعِدُ الْإِسْلَامِ سَبْعَةٌ از امام علی علیه السلام»، چهار پایه دین و دنیا «شرح حدیث قَوَامُ الدِّینِ وَالْدُّنْیَا بِأَرْبَعَةٍ از امام علی علیه السلام»، شرح حدیث شریف سلسله الذهب از امام رضا علیه السلام در باب توحید و امامت و...، شرح حدیث عبدالعظیم حسنی از امام رضا علیه السلام، ذکر خدا «دعاهای مورد نیاز مؤمنین در طول هفته» مکالمات عربی، شهر رمضان «در باب اعمال و دعاهای ماه مبارک رمضان»، کتاب مختصر دعاهای ماه رجب، شعبان و رمضان، زیارتنامه امام رضا علیه السلام، روضه های محرم و صفر، همراه زائرین عتبات عالیات، همراه زائرین مشهد الرضاعلیه السلام، همراه زائرین حضرت معصومه، شاه عبدالعظیم و شاه چراغ علیهم السلام، همراه زائرین مکه و مدینه «برای آشنائی زائرین با عربستان، مکه، مدینه و مختصر مناسک حج و عمره»، مجموعه اشعار باقری، پرسشها و پاسخهای حقوقی، مواعظ حسنه، چنته حکایات باقری، کشکول حکایات باقری، کشکول اشعار باقری، کشکول مواعظ باقری، کشکول مدایح و مرثی باقری، کشکول ضرب المثلها، بزرگان علم و دین، مردان و زنان با فضیلت، وظایف انسانی، توصیه های اخلاقی، احادیث مناسبتها، آداب اسلامی، معصوم چهاردهم امام عصر علیه السلام. و بعضی از کتابهای موبایلی ساخته شده که در آخر کتاب اسامی آنها ذکر شده و قبلاً در سایت هدا نت انتشار یافته است آماده ویراستاری و فهرست بندی و... است برای چاپ کاغذی انشاء الله تعالی. و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت والیه انیب. تحریر شد در بهار ۱۳۹۷ - مشهد مقدس پایتخت معنوی جمهوری اسلامی ایران، سید محمد باقری پور

کتاب

معصوم چهاردهم امام مهدی علیه السلام

حاوی حکایات و روایات و اشعار

در رابطه با زندگی امام مهدی علیه السلام

تهیه کننده : حجة الاسلام سید محمد باقری پور

در مؤسسه فرهنگی هدایت

www.hedayat.tv

معصوم چهاردهم
امام مهدی علیه السلام
تحمیه کننده: حجة الاسلام سید محمد باقری پور

